



روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضائی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها

WWW.RRK.IR

WWW.DASTOUR.IR

تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۴۵۰۰ تومان

صفحه	دستگاه اجراء کننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۱	معاونت حقوقی رئیس جمهور	۱۴۰۰/۲/۲۱	رای شماره ۲۴۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال قسمت پایانی نامه شماره ۳۷۱۸۵/۱۷۷۰۲۵ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۸ سرپرست امور هماهنگی و رفع اختلافات حقوقی دستگاه‌های اجرایی معاونت حقوقی رئیس جمهوری
۳	شورای اسلامی شهر طرقله	۱۴۰۰/۲/۲۱	رای شماره ۲۴۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بندهای «یک» و «دو» قسمت (الف) و قسمت مربوط به کسری ضابطه عرصه از مصوبه شورای اسلامی شهر طرقله به شماره ۲۸۹ - ۱۳۹۳/۶/۶ از تاریخ تصویب
۵	هیأت وزیران	۱۴۰۰/۲/۲۱	رای شماره ۲۴۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ۱ مصوبه شماره ۴۳۵۳/ت/۵۵۳۰۰ - ۱۳۹۷/۱/۲۲ هیأت وزیران
۶	شورای اسلامی شهر همدان	۱۴۰۰/۲/۲۸	رای شماره ۲۷۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال ماده ۸ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۲، ماده ۵۱ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۴، ماده ۴۷ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۶ و ماده ۴۱ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۷ شورای اسلامی شهر همدان
۹	وزارت امور اقتصادی و دارایی وزارت کشور	۱۴۰۰/۲/۲۸	رای شماره ۲۷۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ثالث ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی بندهای (الف) و (ب) ماده ۱۲۷ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۶۸/۴/۲۵
۱۰	سازمان امور مالیاتی کشور	۱۴۰۰/۲/۲۸	رای شماره‌های ۲۷۲ و ۲۷۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال جزء (ب) از بند ۲ بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۷/۱۷۷ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۸ سازمان امور مالیاتی کشور
۱۲	شورای اسلامی شهر مشهد	۱۴۰۰/۲/۲۸	رای شماره ۲۷۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال مواد ۴۰ و ۴۱ دفترچه یکپارچه‌سازی ضوابط و محاسبات درآمدی شورای اسلامی شهر مشهد به تبعیت از نظر فقهای شورای نگهبان از تاریخ تصویب
۱۳	بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران	۱۴۰۰/۲/۲۸	رای شماره ۲۷۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بندهای ۱، ۲ و ۳ بخشنامه شماره ۹۸/۱۰۰۱۸۶ - ۱۳۹۸/۳/۲۸ و بخشنامه شماره ۹۸/۵۸۸۷۸ - ۹۸/۲/۲۵ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تبعیت از نظر فقهای شورای نگهبان از تاریخ تصویب
۱۶	پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران	۱۴۰۰/۲/۲۸	رای شماره ۲۷۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال آیین‌نامه اجرایی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران مصوب ۱۳۸۲/۶/۲۴ هیأت رئیسه دانشگاه تهران از حیث عدم صلاحیت مرجع وضع آن

دستگاه‌های اجرایی معاونت حقوقی رئیس جمهوری جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۲/۲۱ شماره دادنامه: ۲۴۵ شماره پرونده: ۹۹۰۱۵۹۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: سازمان بازرسی کل کشور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال نامه شماره ۳۷۱۸۵/۱۷۷۰۲۵ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۸

سرپرست امور هماهنگی و رفع اختلافات حقوقی دستگاه‌های اجرایی معاونت حقوقی

رئیس جمهوری

قوانین و مقررات عمومی

۱۴۰۰/۳/۱۲

شماره ۹۹۰۱۵۹۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه

۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۲۴۵ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۱ با موضوع: «ابطال قسمت پایانی نامه شماره

۳۷۱۸۵/۱۷۷۰۲۵ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۸ سرپرست امور هماهنگی و رفع اختلافات حقوقی

گردش کار: معاون حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور به موجب شکایت نامه شماره ۳۰۰/۱۴۷۷۹۰ - ۱۳۹۹/۶/۴ اعلام کرده است که:

"احتراماً نامه شماره ۳۷۱۸۵/۱۷۷۰۲۵ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۸ - سرپرست امور هماهنگی و رفع اختلافات حقوقی دستگاه‌های اجرایی از جهت انطباق با قانون در این سازمان مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه آن به شرح زیر جهت استحضار و اقدام شایسته قانونی اعلام می‌شود: سرپرست امور هماهنگی و رفع اختلافات حقوقی دستگاه‌های اجرایی طی نامه شماره ۱۷۷۰۲۵ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۸ به سازمان شهرداری‌ها ابلاغ نموده است: «بازگشت به نامه شماره ۳۴۲۵۳ - ۱۳۹۷/۷/۲۴ (و پیرو رونوشت نامه شماره ۳۷۱۸۵/۱۳۶۸۲۲ - ۱۳۹۷/۱۰/۱۶) در خصوص «شمول حکم ماده ۹ قانون برنامه ششم توسعه به شهرداریها» با عنایت به مباحث مطروحه در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۷ اعلام می‌دارد: نظر به اینکه بند (ب) ماده ۱ قانون برگزاری مناقصات، به عنوان قانون خاص در بیان احکام مربوط به برگزاری مناقصات و دستگاه‌ها و مؤسسات مشمول آن قانون، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی را صرفاً در مواردی که دستگاه‌های مذکور از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند، موظف نموده تا در برگزاری مناقصات، مقررات آن قانون را رعایت کنند، لذا حکم مربوط به دستگاه‌های مکلف به رعایت قانون مناقصات و نیز موارد رعایت آن توسط دستگاه‌های غیرمشمول، در آن قانون بیان گردیده است و تغییر آن نیاز به حکم خاص قانونی دارد و از آنجایی که ماده ۹ قانون برنامه ششم توسعه در مقام بیان حکم راه اندازی سامانه تدارک الکترونیکی دولت برای اجرای تمامی مراحل انواع معاملات بزرگ و متوسط وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مشمول قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳/۱۱/۱۳ و دیگر قوانین مالی و معاملاتی بخش عمومی به جز معاملات محرمانه می‌باشد، نه در مقام بیان دایره شمول دستگاه‌های مکلف به رعایت قانون مناقصات از این رو نمی‌توان حکم عام ماده اخیرالذکر را که در بیان حکم مربوط به موضوع سامانه تدارک الکترونیکی است را به گونه ای تفسیر نمود که منجر به تسری شمول رعایت قانون مناقصات به کلیه معاملات دستگاه‌هایی نظیر مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی که دارای آیین‌نامه مالی و معاملاتی مربوط به خود می‌باشند و به موجب حکم خاص قانونی از شمول قانون مزبور خارج می‌باشند و صرفاً در موارد خاص ملزم به رعایت آن هستند، گردد.

با عنایت به مطالب فوق و با توجه به اینکه قانون برنامه ششم توسعه مقید به زمان می‌باشد، تفسیر ماده ۹ آن قانون به مکلف نمودن نهادهایی که به موجب قانون صرفاً در برخی موارد مکلف به رعایت قانون مناقصات می‌باشند به رعایت قانون مذکور در کلیه معاملاتشان، پذیرفته نمی‌باشد، از این رو شهرداری‌ها و دهیاری‌ها به موجب حکم ماده فوق مکلف به انجام معاملات خود از طریق سامانه مذکور می‌باشند ولیکن صرفاً در مواردی که از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند موظف به درج اطلاعات مناقصات در سامانه تدارکات الکترونیکی بر مبنای قانون برگزاری مناقصات دولتی بوده و در خصوص سایر معاملات بر مبنای آیین‌نامه مالی و معاملاتی خود اقدام نمایند»

هرچند در بخش‌های اولیه نامه مورد نظر با استنباط درست از قانون، شهرداری‌ها و دهیاری‌ها مکلف به انجام معاملات خود از طریق سامانه مذکور شده‌اند، لیکن در بخش پایانی نامه مجوزی برای عدم درج اطلاعات (راجع به معاملاتی که از محل داخلی شهرداری‌ها و دهیاری‌ها انجام می‌شود) در سامانه تدارکات الکترونیک را به مراجع مذکور داده است، در حالی که بر اساس قوانین و مقررات موضوعه، بالاخص ماده ۹ قانون برنامه ششم توسعه و ماده ۵۰ قانون احکام دائمی، مؤسسات عمومی غیردولتی و بخش عمومی، صرف نظر از اینکه معاملات آنان مشمول قانون برگزاری مناقصات باشد یا خیر، موظف به ثبت کلیه معاملات خود در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت شده‌اند. به عبارت دیگر مطابق مواد مذکور، تمام مراحل انواع معاملات متوسط و بزرگ شهرداری‌ها و دهیاری‌ها چه از محل بودجه کل کشور و چه از محل منابع داخلی، (به غیر از معاملات محرمانه) بایستی در سامانه تدارکات الکترونیک ثبت گردد. لذا قسمت اخیر نامه فوق‌الذکر که عدم ثبت برخی از معاملات شهرداری‌ها و دهیاری‌ها را در سامانه مذکور تجویز نموده است. مغایر با قوانین یاد شده و خارج از حدود اختیارات سرپرست امور هماهنگی و رفع اختلافات حقوقی دستگاه‌های اجرایی تشخیص و ابطال آن در هیأت عمومی دیوان (به صورت فوق العاده و خارج از نوبت) مورد تقاضا می‌باشد. مزید امتنان است دستور فرمایید از نتیجه اقدام و تصمیم متخذه این سازمان را مطلع نمایند."

متن مقررره مورد شکایت به شرح زیر است:

"جناب آقای جمالی نژاد

رئیس محترم سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور
با سلام و احترام؛

بازگشت به نامه شماره ۳۴۲۵۳ - ۱۳۹۷/۷/۲۴ (و پیرو رونوشت نامه شماره ۳۷۱۸۵/۱۳۶۸۲۲ - ۱۳۹۷/۱۰/۱۶) در خصوص «شمول حکم ماده ۹ قانون برنامه ششم توسعه به شهرداری‌ها»، با عنایت به مباحث مطروحه در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۷ اعلام می‌دارد: نظر به اینکه بند «ب» ماده (۱) قانون برگزاری مناقصات به عنوان قانون خاص، در بیان احکام مربوط به برگزاری مناقصات و دستگاه‌ها و مؤسسات مشمول آن قانون، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی را صرفاً در مواردی که دستگاه‌های مذکور از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند، موظف نموده تا در برگزاری مناقصات، مقررات آن قانون را رعایت کنند، لذا حکم مربوط به دستگاه‌های مکلف به رعایت قانون مناقصات و نیز موارد رعایت آن توسط دستگاه‌های غیرمشمول، در آن قانون بیان گردیده است و تغییر آن نیاز به حکم خاص قانونی دارد و از آنجایی که ماده (۹) قانون برنامه ششم توسعه در مقام بیان حکم راه‌اندازی سامانه تدارک الکترونیکی دولت برای اجرای تمامی مراحل انواع معاملات بزرگ و متوسط وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مشمول قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳/۱۱/۱۳ و دیگر قوانین مالی و معاملاتی بخش عمومی به جز معاملات محرمانه می‌باشد، نه در مقام بیان دایره شمول دستگاه‌های مکلف به رعایت قانون برگزاری مناقصات. از این رو نمی‌توان حکم عام ماده اخیرالذکر را که در بیان حکم مربوط به موضوع سامانه تدارک الکترونیکی است را به گونه‌ای تفسیر نمود که منجر به تسری شمول رعایت قانون مناقصات به کلیه معاملات دستگاه‌هایی نظیر مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی که دارای آیین‌نامه مالی و معاملاتی مربوط به خود می‌باشند و به موجب حکم خاص قانونی از شمول قانون مزبور خارج می‌باشند و صرفاً در موارد خاص ملزم به رعایت آن هستند، گردد.

با عنایت به مطالب فوق و با توجه به اینکه قانون برنامه ششم توسعه مقید به زمان می‌باشد، تفسیر ماده (۹) آن قانون به مکلف نمودن نهادهایی که به موجب قانون صرفاً در برخی موارد مکلف به رعایت قانون مناقصات می‌باشند، به رعایت قانون مذکور در کلیه معاملاتشان، پذیرفته نمی‌باشد، از این رو شهرداری‌ها و دهیاری‌ها به موجب حکم ماده فوق، مکلف به انجام معاملات خود از طریق سامانه مذکور می‌باشند، ولیکن صرفاً در مواردی که از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند موظف به درج اطلاعات مناقصات در سامانه تدارکات الکترونیکی بر مبنای قانون برگزاری مناقصات دولتی بوده و در خصوص سایر معاملات بر مبنای آیین‌نامه مالی و معاملاتی خود اقدام نمایند. - سرپرست امور هماهنگی و رفع اختلافات حقوقی دستگاه‌های اجرایی"

در پاسخ به شکایت مذکور، معاون امور حقوقی دولت (معاونت حقوقی رئیس جمهور) به موجب لایحه شماره ۴۳۸۶۸/۱۴۰۷۲۶ - ۱۳۹۹/۱۲/۳ توضیح داده است که:

"۱- حکم ماده ۹ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ناظر به «تکلیف دولت به تکمیل سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برای اجرای تمامی مراحل انواع معاملات متوسط و بزرگ وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مشمول قانون برگزاری مناقصات» است. بنابراین حکم این ماده به هیچ وجه در مقام بیان تعیین دستگاه‌های مشمول قانون برگزاری مناقصات نیست و حکم این موضوع، همچنان در بند (ب) ماده ۱ قانون برگزاری مناقصات (مصوب ۱۳۸۳/۱۱/۳) مقرر است. به بیان دیگر حکم مندرج در ماده ۹ قانون برنامه پنجساله ششم صرفاً ناظر به دستگاه‌هایی است که «مشمول قانون برگزاری مناقصات» بوده و این دستگاه‌ها نیز به موجب حکم صریح مندرج در بند (ب) قانون اخیرالذکر مشخص شده‌اند.

۲- بنا به آنچه در بند پیشین بیان گردید و از آنجا که مطابق مفهوم مخالف بخشی از حکم بند (ب) ماده ۱ قانون برگزاری مناقصات که نهادهای عمومی غیردولتی را در مواردی که آن بنیادها و نهادها از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند مشمول قانون برگزاری مناقصات دانسته است، نهادهای عمومی غیردولتی در مواردی که از بودجه کل کشور استفاده نمی‌نمایند، مشمول قانون برگزاری مناقصات به شمار نمی‌روند در نتیجه حکم مندرج در ماده ۹ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه که به تصریح همین ماده صرفاً ناظر به دستگاه‌هایی است که مشمول قانون برگزاری مناقصات هستند، قابل اعمال بر مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی (در مواردی که از بودجه کل کشور استفاده نمی‌نمایند) نیست، چرا که در این حالت اصولاً این دستگاه‌ها مشمول قانون برگزاری مناقصات نیستند و نامه

«دو» قسمت (الف) و قسمت مربوط به کسری ضابطه عرصه از مصوبه شورای اسلامی شهر طریقه به شماره ۲۸۹ - ۱۳۹۳/۶/۶ از تاریخ تصویب جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۲/۲۱ شماره دادنامه: ۲۴۶ شماره پرونده: ۹۷۰۱۷۳۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای علی گلبافیان

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بندهای «یک» و «دو» قسمت (الف) و قسمت

مربوط به کسری ضابطه عرصه از مصوبه شورای اسلامی شهر طریقه به شماره ۲۸۹ - ۱۳۹۳/۶/۶

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر طریقه به شماره ۲۸۹ - ۱۳۹۳/۶/۶ را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده است که:

۱- مطابق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۸۰ اخذ هرگونه وجه، کالا یا خدمت - ات توسط دستگاه‌های اجرایی به تجویز قانون گذار موکول شده و لذا اخذ وجه یا قسمتی از اراضی در قبال تعیین عوارض غیرقانونی و خارج از حدود اختیارات شورا است.

۲- به موجب ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی معماری و شهرسازی بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی و تغییرات آن به کمیسیون خاصی (ماده ۵) محول شده و وظایف شورا در ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شورای اسلامی و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی تعیین شده و تفکیک، تغییر کاربری، کسری حد نصاب عرصه و تفکیک در صلاحیت شورا نیست.

۳- به موجب لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک و قانون تعیین تکلیف املاک واقع در طرح‌های دولتی و ... جز در موارد خاص مستلزم تملک اراضی و ... است و تملک رایگان و دریافت بهاء آنها (وضع عوارض ورود به طرح و سرانه طرح تفصیلی) به منظور تأمین تأسیسات عمومی در ازای موافقت با تفکیک با اصل تسلط و ۲۲ قانون اساسی و ۳۰ قانونی مدنی منافات دارد.

۴- شهرداری در خصوص تفکیک ارائه دهنده خدمتی نیست تا مطابق ماده ۵ قانون مالیات بر ارزش افزوده امکان برقراری عوارض وجود داشته باشد و حکم مقرر در ماده واحده قانون اصلاح ماده ۱۰۱ قانون شهرداری‌ها مصوب سال ۱۳۹۰ و تبصره ۳ آن که عطف به ماسبق هم نمی‌شود ناظر به اخذ زمین یا قیمت جهت تأمین سرانه فضای عمومی و شوارع و ... است و لذا اخذ عوارض به کیفیت مذکور در مصوبه شورا خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات شورا می‌باشد لذا به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۱۳ و مواد ۸۸ و ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ استدعای ابطال مصوبه شماره ۲۸۹ - ۱۳۹۳/۶/۶ شورای اسلامی شهر طریقه به شرح خواسته دارم.

متن مقررهای مورد اعتراض به شرح زیر است:

الف - متن مصوبه شماره ۲۸۹ - ۱۳۹۳/۶/۶:

شهردار محترم طریقه - موضوع (دریافت سهم ورود به محدوده و خدمات و معابر و تبصره ۴

با سلام

ماده واحده - با اختیار حاصله از بند ۸ - ۹ - ۱۴ - ۳۰ ماده ۷۱ قانون وظایف شورای اسلامی شهر به شهرداری طریقه اجازه داده می‌شود تا نسبت به اجرای لایحه شماره ۶۵۷۴ - ۱۳۹۳/۵/۲۰ در خصوص دریافت سهم ورود به محدوده و خدمات و معابر (تبصره ۴ موضوع ماده واحده قانون تعیین وضعیت املاک) در اراضی داخل محدوده با کاربری مسکونی اقدام نماید. بدیهی است این مصوبه با رعایت ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراها اسلامی کشور لازم‌الاجرا است. - رئیس شورای اسلامی شهر طریقه

ب - متن لایحه ۶۵۷۴ - ۱۳۹۳/۵/۲۰:

شورای اسلامی شهر طریقه، احتراماً، پیرو جلسات برگزار شده مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۹ و ۱۳۹۳/۵/۱۲ در محل شورای اسلامی شهر با حضور نمایندگان شورا و آقای شهردار کارشناسان شهرداری در خصوص دریافت سهم ورود به محدوده و خدمات و معابر (تبصره ۴ موضوع ماده واحده قانون تعیین وضعیت املاک) در اراضی داخل محدوده با کاربری مسکونی به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفت که جهت اعلام نظر تقدیم می‌گردد:

مورد شکایت نیز صراحتاً مفهوم همین معناست. نظر به مراتب فوق و با توجه به اینکه نامه مورد شکایت صرفاً در بردارنده تفسیری از قوانین جاری کشور در خصوص برگزاری مناقصات و تبیین نسبت آنها در مقام اجرا بوده و به هیچ وجه مغایرتی با قوانین جاری کشور ندارد، لذا اتخاذ تصمیم شایسته دایر بر رد شکایت مطروحه مورد تقاضاست. خواهشمند است در زمان رسیدگی در هیأت تخصصی یا عمومی از این معاونت دعوت به عمل آید.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۲۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

براساس ماده ۵۰ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور: «دولت مجاز است سامانه تدارکات الکترونیکی دولت را برای اجرای تمام مراحل انواع معاملات وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مشمول قانون برگزاری مناقصات و سایر قوانین مالی و معاملاتی بخش عمومی، با رعایت قانون تجارت الکترونیکی و قانون برگزاری مناقصات تکمیل کند. دستگاه‌های مشمول قانون برگزاری مناقصات و دیگر معامله‌کنندگان بخش عمومی، از جمله دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنان مستلزم ذکر یا تصریح نام است و کلیه مؤسسات دولتی یا عمومی غیردولتی، باید با برنامه زمانبندی مورد تأیید هیأت وزیران در این سامانه ثبت نام کنند و با امضای الکترونیکی معتبر و رعایت مقررات مربوط، تمام مراحل معاملات خود مانند درخواست استعلام، فراخوان، توزیع و دریافت اسناد، گشایش الکترونیکی پاکت‌ها یا پیشنهادها، انعقاد قرارداد و داد و ستد وجوه و تضمینات و نیز هرگونه الحاق، اصلاح، فسخ، ابطال و خاتمه قرارداد را از طریق این سامانه و به طور الکترونیکی انجام دهند.» همچنین مطابق ماده ۹ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مقرر شده است که: «دولت مکلف است تا پایان سال دوم اجرای قانون، برنامه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت را برای اجرای تمامی مراحل انواع معاملات متوسط و بزرگ وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مشمول قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۲/۱۱/۳ و دیگر قوانین مالی و معاملاتی بخش عمومی به جز معاملات محرمانه، با رعایت قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ و قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳/۱۱/۳ تکمیل کند. کلیه دستگاه‌های مشمول قانون برگزاری مناقصات و نهادهای عمومی غیردولتی مکلف به رعایت قانون برگزاری مناقصات و انجام معاملات خود از طریق سامانه مذکور هستند.» نظر به اینکه بر مبنای موازین قانونی فوق‌الذکر به تکلیف دستگاه‌های مشمول سایر قوانین مالی و معاملاتی بخش عمومی و کلیه معامله‌کنندگان بخش عمومی از جمله مؤسسات عمومی غیردولتی نسبت به ثبت نام در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت و انجام معاملات خود از طریق سامانه مذکور تصریح شده و مطابق بند ۱ ماده واحده قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب سال ۱۳۷۳، شهرداریها از مصادیق مؤسسات عمومی غیردولتی هستند و دهیاریها نیز براساس ماده واحده قانون تأسیس دهیاریهای خودکفا در روستاهای کشور مصوب سال ۱۳۷۷ از جمله نهادهای عمومی غیردولتی محسوب می‌شوند، لذا قسمت پایانی نامه شماره ۳۷۱۸۵/۱۷۷۰۲۵ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۸ سرپرست امور هماهنگی و رفع اختلافات حقوقی دستگاه‌های اجرایی معاونت حقوقی رئیس جمهوری که دامنه شمول حکم مقرر در ماده ۵۰ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور و ماده ۹ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را نسبت به شهرداریها و دهیاریها صرفاً به ثبت اطلاعات مناقصات در مواردی که نهادهای مذکور از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند محدود کرده، خلاف قانون و خارج از اختیار بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

۱۴۰۰/۳/۱۲

شماره ۹۷۰۱۷۳۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۲۴۶ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۱ با موضوع: «ابطال بندهای «یک» و

تخفیف وفق بندهای فوق به نرخ روز محاسبه و قبل از هرگونه اقدام دریافت گردد. - شهردار طبقه"

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر طبقه به موجب نامه شماره ۹۷۴-۱۳۹۷/۹/۱۹ به طور خلاصه توضیح داده است که:

"۱- در ماده واحده قانون تعیین تکلیف املاک اجازه اخذ ۲۰٪ اراضی برای متقاضیان ورود املاک به محدوده شهر داده شد.

۲- در تبصره ۳ اصلاح ماده ۱۰۱ قانون شهرداریها در اراضی بیشتر از ۵۰۰ مترمربع با سند ۶ دانگ شهرداری می‌تواند جهت تأمین سرانه فضای عمومی و خدماتی تا سقف ۲۵٪ و برای احداث شوارع و معابر تا ۲۵٪ از باقیمانده اراضی دریافت نماید.

۳- عمران و آبادی و آماده سازی زمین معادل تأمین سرانه فضای عمومی و خدماتی است که در بند ۲ ماده ۹۹ قانون شهرداری و بند (الف) و (ب) ماده ۲۳ آیین‌نامه اجرایی قانون زمین شهری تعریف شده و مقرر برای تأمین سرانه و ... ۱۵٪ اراضی را اختصاص داد.

۴- شاکای از تبصره ۴ قانون تعیین وضعیت املاک استنباط نادرستی کرده و روشن است که افراد ملزم هستند اگر املاک آنها خارج از محدوده واقع شده و قصد استفاده از مزایای ورود به محدوده دارند بخشی از اراضی را بابت تأمین سرانه‌های عمومی و خدماتی و ۲۰٪ باقیمانده را برای شوارع و ... به صورت رایگان اختصاص دهند و شاکای تخصیص اراضی برای تأمین سرانه فضای سبز عمومی و خدماتی را ندارد و شهرداری مجاز به اجابت این خواسته نیست و لذا رد شکایت را خواسته است."

رسیدگی به موضوع از جمله مصادیق حکم ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد و پرونده در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی ارجاع شد.

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، پرونده به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود و هیأت مذکور به موجب دادنامه شماره ۴۲۸ - ۱۳۹۹/۱۱/۲۷، ردیف‌های ۳، ۴، ۵ و ۶ از بند (الف) و بند (ب) به استثناء موضوع کسری ضابطه عرصه تحت عنوان دریافت سهم ورود به محدوده و خدمات و معابر در اراضی داخل محدوده با کاربری مسکونی به شماره ۲۸۹ - ۱۳۹۳/۶/۶ را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعی یافت.

رسیدگی به بندهای (یک) و (دو) قسمت (الف) و قسمت مربوط به کسری ضابطه عرصه از مصوبه شورای اسلامی شهر طبقه به شماره ۲۸۹ - ۱۳۹۳/۶/۶ در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۲۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - با توجه به اینکه براساس آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه شماره ۱۳۱۶ - ۱۳۱۵ - ۱۳۱۴ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۰، مصوبات شوراهای اسلامی شهرهای مختلف کشور در خصوص اختصاص قسمتی از املاک متقاضیان تفکیک و افزاز به شهرداری به طور رایگان و یا وصول مبلغی به عنوان هزینه خدمات تفکیک و افزاز ابطال شده است و حکم مقرر در ماده واحده قانون اصلاح ماده ۱۰۱ قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۹۰ مطابق ماده ۴ قانون مدنی عطف بماسبق نمی‌شود، بنابراین اطلاق بندهای ۱ و ۲ قسمت (الف) مصوبه شماره ۲۸۹ - ۱۳۹۳/۶/۶ شورای اسلامی شهر طبقه خلاف قانون و خارج از اختیار بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

ب - با عنایت به اینکه در آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه شماره ۶۹۶ - ۱۳۹۵/۱۱/۱۶ وضع عوارض برای تفکیک در تمام اشکال آن توسط شوراهای اسلامی شهر مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی آنها تشخیص و ابطال شده است، بنابراین قسمت مربوط به کسری ضابطه عرصه در مصوبه مورد شکایت که به تصویب شورای اسلامی شهر طبقه رسیده، خلاف قانون و خارج از اختیار بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

الف) در کاربری مسکونی به شرح ذیل: ۱- اراضی که در طرح‌های و در طرح تفصیلی با کاربری مسکونی می‌باشد و دارای سند شش‌دانگ قدیمی ماده ۲۲ به جز مادتين ۱۴۷ و ۱۴۸ دارای قبوض خدماتی قدیمی و همچنین دارای اعیان قدیمی در قبل از زمان ابلاغ طرح‌های (آبان ۱۳۶۱): سهم ورود به محدوده و کسری عرصه ندارد.

۲- اراضی که در طرح‌های و در طرح تفصیلی با کاربری مسکونی می‌باشد دارای سند مشاع یا ماده ۱۴۷ و ۱۴۸ و قولنامه معتبر و مههور به مهر انجمن‌های سابق و شورای اسلامی شهر در قبل از زمان ابلاغ طرح‌های (آبان ۱۳۶۱) حدود اربعه مطابق سند تغییری نکرده باشد و دارای اعیان قدیمی و قبوض خدماتی با رعایت و احراز تمامی شرایط ضوابط مسکونی: سهم ورود به محدوده ندارد و حق تفکیک و افزاز معادل ۱۲٪ ارزش کارشناسی (تبصره ۳ قانون اصلاح ماده ۱۰۱ قانون شهرداریها به شماره ۱۳۹۰/۲/۱۳-۲۴۳/۸۳۶۹ تصویر پیوست) محاسبه و اخذ گردد.

۳- اراضی که در طرح‌های و در طرح تفصیلی با کاربری مسکونی می‌باشد و فاقد اعیان و قبوض خدماتی و زمین خالی، کسری عرصه معادل ۳۰٪ ارزش کارشناسی و حق تفکیک و افزاز معادل ۱۲٪ ارزش کارشناسی (برابر قانون مذکور در بند ۲) محاسبه و اخذ گردد.

۴- اراضی که در طرح‌های کاربری باغات بوده و در طرح تفصیلی به کاربری مسکونی تبدیل شده است. در صورتی که مجوز از قبل دارند. دارای اعیان قدیمی قبل از زمان ابلاغ طرح‌های (آبان ۱۳۶۱) و ملک مفصاحساب از شهرداری دارد: سهم ورود به محدوده با ۲۰٪ ارزش کارشناسی محاسبه گردد.

۵ - اراضی که در طرح‌های کاربری مسکونی نبوده (به جز باغات) و در طرح تفصیلی با کاربری مسکونی تبدیل شده است. دارای اعیان قدیمی قبل از زمان ابلاغ طرح‌های (آبان ۱۳۶۱) می‌باشد و اراضی با کاربری مسکونی واقع در ویلان شهر از سال ۱۳۸۲ وارد محدوده شده است پس از رعایت و احراز تمامی شرایط و ضوابط کاربری مسکونی: سهم ورود به محدوده با ۳۵٪ ارزش کارشناسی محاسبه گردد.

۶ - اراضی که در طرح‌های کاربری مسکونی نبوده و در طرح تفصیلی به کاربری مسکونی تبدیل شده است فاقد اعیان و زمین خالی با رعایت و احراز تمامی شرایط و ضوابط مسکونی: سهم ورود به محدوده و تغییر کاربری با ۵۰٪ ارزش کارشناسی محاسبه گردد. توضیحات:

تمامی بندها و شرایط فوق صرفاً برای اراضی با کاربری مسکونی (طرح‌های و جامع تفصیلی) می‌باشد و در دیگر کاربری‌ها مطابق طرح تفصیلی و طرح‌های موضعی مطابق ضوابط اقدام گردد.

در کلیه موارد مشروحه فوق سهم ورود به محدوده برابر ارزش معاملاتی روز ملک مطابق کارشناسی شهرداری یا کارشناس رسمی دادگستری ملاک عمل می‌باشد.

معیار سنجش قدیمی بودن در شرایط و بندهای فوق زمان قبل از طرح‌های یعنی آبان سال ۱۳۶۱ بوده که توسط کارشناس شهرداری تأیید می‌گردد.

ب) در کاربری باغات به شرح ذیل:

۱- اراضی که با کاربری باغات می‌باشد طبق طرح مصوب ضابطه تفکیک عرصه ۲۰۰۰ مترمربع است: سهم ورود به محدوده برابر جدول کمیسیون مشورتی شماره ۱۳۷۲۰ - ۱۳۸۶/۱۲/۲۸ (تصویر پیوست) که طبق مصوبه شماره ۱۳۹۱/۳/۸-۶۳۸ شورا به تصویب رسیده (از ۲۰٪ تا ۲۵٪) و کسری ضابطه عرصه تا ۲۰۰۰ مترمربع معادل ۳۰٪ ارزش کارشناسی محاسبه و اخذ گردد.

۲- اراضی که با کاربری باغات می‌باشد دارای سند شش‌دانگ قدیمی غیر از ماده ۱۴۷ و ۱۴۸ با هر مساحت عرصه‌ای که دارد: کسری ضابطه عرصه اخذ نگردد و سهم ورود به محدوده معادل ۲۰٪ ارزش کارشناسی محاسبه و اخذ گردد.

۳- اراضی که با کاربری باغات می‌باشد و دو طرف آنها از همان پلاک ثبتی بوده و با مجوز احداث بنا نموده‌اند و با تأیید کمیسیون فنی شهرداری قابلیت جمع نداشته باشد: سهم ورود به محدوده برابر جدول ذکر شده در بند ۱ و کسری ضابطه عرصه معادل ۱۵٪ ارزش کارشناسی محاسبه گردد.

۴- به منظور حفظ باغات و فضای سبز در صورتی که ملک دارای سند شش دانگ قدیمی باشد با حداکثر ۴۰ مترمربع زیربنا جهت انبار و سرایداری در یک طبقه مجوز صادر نماید: سهم ورود به محدوده با ۵۰٪ ضرایب جدول ذکر شده در بند ۱ ارزش کارشناسی محاسبه گردد و در صورت هرگونه تخلف از قبیل اضافه بنا به هر نحو از قبیل آلاچیق و یا سرویس بهداشتی و یا ... در ملک علاوه بر اخذ حقوقات تخلف مانند مازاد تراکم و کسری ضابطه عرصه و کمیسیون ماده صد و ما به التفاوت و مابقی حقوق ناشی از

شماره ۹۹۰۱۱۹۸

۱۴۰۰/۳/۱۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۲۴۷ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۱ با موضوع: «ابطال بند ۱ مصوبه شماره ۴۳۵۳/ت/۵۵۵۳۰۰ - هیأت وزیران» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۲/۲۱ شماره دادنامه: ۲۴۷ شماره پرونده: ۹۹۰۱۱۹۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکیان: آقایان ۱- جلیل مختار ۲- سیدمجتبی محفوظی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۱ مصوبه شماره ۴۳۵۳/ت/۵۵۵۳۰۰ -

هیأت وزیران ۱۳۹۷/۱/۲۲

گردش کار: شاکیان به موجب دادخواستی واحد ابطال بند ۱ مصوبه شماره

۴۳۵۳/ت/۵۵۵۳۰۰ - هیأت وزیران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:

«احتراماً همان گونه که مستحضرد براساس مصوبه شماره ۴۳۵۳/ت/۵۵۲۰۰ - هیأت وزیران واردات کلیه کالاها به صورت تجاری به کشور اعم از مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی بدون ثبت سفارش ممنوع گردیده است. این مصوبه با منطوق بخش نخست ماده ۱۴ قانون مناطق آزاد و ماده ۸ قانون ویژه اقتصادی که مبادلات بازرگانی مناطق با خارج از کشور اعم از ورود به منطقه یا صدور از منطقه به خارج را پس از ثبت گمرکی از شمول مقررات صادرات و واردات مستثنی بوده و در آمدهای سازمان منطقه در چارچوب بودجه سالیانه منطقه و براساس آیین‌نامه اخذ عوارض نسبت به دریافت عوارض (از جمله عوارض واردات کالا) مبادرت نموده و هزینه می‌گردد. در همین راستا و به درستی شورای عالی مناطق به منظور تأمین بودجه و جلوگیری از مقررات، محدودیت‌های صادرات و واردات سرزمین اصلی در ماده ۲ و ۴ و ۷ مقررات صادرات و واردات مناطق ورود هر نوع کالا را به مناطق مجاز اعلام نموده (به استثنای کالاهای مغایر با شرع مقدس اسلام یا قوانینی که در آن نام مناطق تصریح شده باشد) و ترتیبات ورود به منطقه را بدون محدودیت با کمترین تشریفات و در نهایت سادگی در اختیار سازمان مسئول هر منطقه قرار داده است.

لکن در طی اجرای مصوبه صدرالاشاره علاوه بر اعمال ممنوعیت و محدودیت برای ورود کالا به محدوده منطقه انتقادات و اعتراضات عدیده ای در خصوص مغایرت مصوبه فوق‌الاشاره با قانون مناطق متوجه گردیده است و این اعتراضات کماکان نیز به قوت خود باقی می‌باشد، بخش خصوصی فعال در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی از جمله تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی مستقر در این مناطق عنوان می‌نمایند که با مطالعه قبلی و با اشراف بر مفاد قانونی این مناطق که عاری از هرگونه بروکراسی و انجام امور با کمترین تشریفات بوده به انجام و شکل گیری فعالیت اقدام نموده‌اند و اکنون نمایندگان منطقه آزاد روند در مجلس شورای اسلامی خواستار رعایت مواد ۱۴ و ۸ مورد اشاره به نمایندگی کل مردم «آبادان و خرمشهر» و لغو مصوبه مورخ ۱۳۹۷/۱/۲۲ هیأت وزیران می‌باشیم. لذا خواهشمند است دستور فرمایید با توجه به اهمیت و محرومیت نسبی حاکم بر حوزه انتخابی و فوریت موضوع مشروحه را بررسی فرمایید.

در پاسخ به اخطار رفع نقصی که از طرف دبیرخانه هیأت عمومی صادر شده، آقای جلیل مختار به موجب لایحه شماره ۱۷۷۳ - ۱۳۹۹/۵/۲۷ اعلام کرده است که:

«بر اساس مصوبه شماره ۴۳۵۳/ت/۵۵۲۰۰ - هیأت وزیران «واردات کلیه کالاها به صورت تجاری به کشور اعم از مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی، بدون ثبت سفارش ممنوع گردیده است». این مصوبه با منطوق بخش نخست ماده ۱۴ قانون مناطق آزاد و ماده ۸ قانون مناطق ویژه اقتصادی که «مبادلات بازرگانی مناطق با خارج از کشور (اعم از ورود به منطقه یا صدور از منطقه به خارج) را پس از ثبت گمرک از شمول مقررات صادرات و واردات مستثنی نموده» در تعارض می‌باشد در عین حال برابر ماده ۲ قانون مناطق آزاد این مناطق از قانون بودجه کل کشور مستثنی بوده و درآمدهای سازمان منطقه در چارچوب بودجه سالیانه منطقه و بر اساس آیین‌نامه اخذ

عوارض نسبت به دریافت عوارض (از جمله عوارض واردات کالا) مبادرت نموده و هزینه می‌گردد. در همین راستا و به درستی شورای عالی مناطق به منظور تأمین بودجه و جلوگیری از مقررات، محدودیت‌های صادرات و واردات سرزمین اصلی در ماده ۲ و ۴ و ۷ مقررات صادرات و واردات مناطق ورود هر نوع کالا را به مناطق مجاز اعلام نموده (به استثنای کالاهای مغایر با شرع مقدس اسلام یا قوانینی که در آن نام مناطق تصریح شده باشد) و ترتیبات ورود به منطقه را بدون محدودیت با کمترین تشریفات و در نهایت سادگی در اختیار سازمان مسئول هر منطقه قرار داده است. لیکن در طی اجرای مصوبه صدرالاشاره علاوه بر اعمال ممنوعیت و محدودیت برای ورود کالا به محدوده منطقه انتقادات و اعتراضات عدیده ای در خصوص مغایرت مصوبه فوق‌الاشاره با قانون مناطق متوجه گردیده و این اعتراضات کماکان نیز به قوت خود باقی می‌باشد. بخش خصوصی فعال در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی از جمله تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی مستقر در این مناطق عنوان می‌نمایند که با مطالعه قبلی و با اشراف بر مفاد قانونی این مناطق که عاری از هرگونه بروکراسی و انجام امور با کمترین تشریفات بوده، به انجام و شکل گیری فعالیت اقدام نموده‌اند، لذا خواستار رعایت مواد ۱۴ و ۸ مورد اشاره و حذف عبارت مناطق آزاد تجاری صنعتی و ویژه اقتصادی از مصوبه شماره ۴۳۵۳/ت/۵۵۵۳۰۰ - هیأت وزیران می‌باشند. خواهشمند است دستور فرمایید با قید اهمیت و فوریت موضوع بررسی گردد.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

«هیأت وزیران در جلسه ۱۳۹۷/۱/۲۲ به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تبصره ۳ ماده ۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز - مصوب سال ۱۳۹۲ - و به منظور ساماندهی و مدیریت بازار ارز تصویب کرد:

۱- واردات کلیه کالاها به صورت تجاری به کشور اعم از مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی و سایر مبادی ورودی بدون ثبت سفارش ممنوع است.
در پاسخ به شکایت مذکور، معاون امور حقوقی دولت (حوزه معاونت حقوقی رئیس جمهور) به موجب لایحه شماره ۱۴۰۷۷۸ - ۱۳۹۹/۱۲/۳ توضیح داده است که:
«برابر تبصره ۳ ماده ۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۹۲، دولت حدود و مقررات استفاده از ارز را تعیین می‌کند و این قانون موخر بر دو قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی مصوب سال ۱۳۷۲ و قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصاد مصوب سال ۱۳۸۴ به تصویب رسیده است و مناطق یاد شده از شمول حکم تبصره ۳ ماده ۷ قانون قاچاق کالا و ارز مستثنی نشده‌اند. در مصوبه مورد شکایت نیز ثبت سفارش برای ساماندهی و مدیریت بازار ارز وضع شده است و بر این مبنا مصوبه مغایرتی با حکم قانون ندارد. مطابق ماده ۱۴ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری و صنعتی مصوب سال ۱۳۷۲ نیز مقررات صدور و ورود کالا و تشریفات گمرکی در محدوده هر منطقه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. بنابراین هیأت وزیران بر اساس این مستند نیز اختیار دارد که مقررات واردات به مناطق آزاد را تعیین نماید و از این جهت نیز بند ۱ مصوبه مورد شکایت در چارچوب اختیارات هیأت وزیران وضع شده است.

ماده ۸ قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی نیز مقرر می‌دارد: «ماده ۸ - مبادلات بازرگانی مناطق با خارج از کشور و یا با سایر مناطق ویژه اقتصادی و تجاری و صنعتی پس از ثبت در گمرک از حقوق گمرکی، سود بازرگانی و کلیه عوارض ورود و صدور تحت هر عنوان معاف بوده و مشمول محدودیتها و ممنوعیت‌های مقررات واردات و صادرات به استثنای محدودیتها و ممنوعیت‌های قانونی و شرعی نمی‌شود و مبادلات بازرگانی مناطق با سایر نقاط کشور به استثنای مناطق یاد شده در فوق تابع مقررات صادرات و واردات می‌باشد.»

بنابر حکم این ماده محدودیت و ممنوعیتی در ضرورت و بایستگی ثبت سفارش مبادلات بازرگانی مناطق با خارج از کشور و یا با سایر مناطق ویژه اقتصادی و مناطق آزاد تجاری و صنعتی برقرار نشده است. این در حالی است که بنا بر حکم ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۹۲، قاچاق کالا در مبادی ورودی هر منطقه از کشور تعیین شده است و هر یک از مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی نیز منطقه‌ای از سرزمین و قلمرو کشور است. افزون بر آن برابر تبصره ۳ ماده ۷ قانون یاد شده، وضع مقررات استفاده از ارز برای تمام قلمرو جغرافیایی کشور مورد حکم مقنن قرار گرفته است و برای مناطق آزاد و ویژه در مورد مقررات ارز استثنایی برقرار نشده است.

عوارض سال ۱۳۹۵ - ماده ۴۷ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۶ و ماده ۴۱ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۷ شورای اسلامی شهر همدان را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" با عنایت به اینکه شهرداری به استناد مصوبات مورد شکایت اقدام به مطالبه عوارض استفاده از فضای آموزشی و عوارض پذیره و بهره‌برداری از فضاهای آموزشی نموده در حالی که ۱- به موجب ماده ۱۹ قانون تأسیس مدارس غیردولتی در برخورداری از تخفیفات و کلیه معافیت‌های مالیاتی و عوارض در حکم مدارس دولتی می‌باشند و لذا مانند مدارس دولتی مشمول مالیات و عوارض و بهای خدمات نمی‌باشند. ۲- بر اساس آیین‌نامه نحوه استقرار مدارس غیردولتی که در تاریخ ۱۳۸۹/۳/۳۰ به تصویب هیأت وزیران رسیده استقرار مدارس غیردولتی در فضاهای عرصه و اعیان با کاربری آموزشی و غیرآموزشی با رعایت ضوابط و مقررات آموزش و پرورش بلامانع می‌باشد. معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران بر اساس آیین‌نامه استقرار طی بخشنامه‌ای به مناطق ۲۲گانه تهران تأسیس و بهره‌برداری مدارس ابتدایی راهنمایی و آموزشگاه‌های دارای تاییدیه‌های لازم را در ساختمانهای مسکونی مستقل استیجاری و ملکی بلامانع اعلام نموده است. در موردی مشابه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به موجب رأی شماره ۸۸۶ - ۱۳۹۶/۹/۱۴ مصوبه شورای اسلامی شهر قم مبنی بر الزام آموزشگاه‌های درسی به تغییر کاربری و استفساریه شهرداری قم از شورای شهر و پاسخ شورا به آن را رد نموده است. لذا با عنایت به مراتب مذکور ابطال مصوبات مورد شکایت مورد استدعاست." متن مقرره‌های مورد شکایت به شرح زیر است:

" ماده ۸ سال ۱۳۹۲:

عوارض پروانه ساختمانی فرهنگی، آموزشی، ورزشی و ... بخش ۵ فصل ۱ ماده ۸ با توجه به تأکیدات شورای اسلامی شهر و به منظور ساماندهی، شناسایی و اخذ بهای خدمات آن دسته از واحدهای کسبی که فاقد پایانکار احداث یا در حال بهره‌برداری می‌باشند مقرر گردید تا تعیین تکلیف از طریق مراجع ذیربط (کمسیون ماده ۵، کمسیون ماده ۷۷) بهای خدمات سالیانه از واحدهای مذکور به شرح ذیل وصول گردد:

جدول شماره ۲۰

کاربری	دارای سابقه	فاقد سابقه
کاربری مجاز	PS	۲PS
کاربری مغایر	۲ PS	مجاز به فعالیت نیست

مساحت اعیانی ملک S = مساحت دارای تخلف S =
توضیح: لازم به ذکر است دریافت بهای خدمات فوق هیچگونه حقی جهت ذینفعان یا مالکین بابت سابقه تجاری و تغییر کاربری ایجاد نخواهد کرد و مدیران مناطق مکلفند در زمان اجرای طرحهای تفصیلی پرداخت گرامت را بر مبنای کاربری طرح تفصیلی صورت دهند. ضمناً مسئولین درآمد و متصدیان امور پیشه وری پرونده‌های این نوع املاک را به صورت جداگانه و در فرمهای مخصوص ثبت و ضبط نمایند.
تبصره ۱: در خصوص املاک واقع در مسیر چنانچه مالک تقاضای استفاده از ملک مذکور را داشته باشد با درخواست کتبی مالک و ارائه تعهدنامه محضری مبنی بر عدم ایجاد سابقه و عدم تغییر کاربری بهای خدمات سالیانه معادل ۲PS وصول گردد.
تبصره ۲: مجتمع‌های تجاری که در حال حاضر بیش از ۱۰ واحد تجاری دارند چنانچه در کاربری مجاز احداث و فاقد پایانکار باشند واحدهای مطابق در سابقه پروانه معادل ۱PS و واحدهای مغایر با پروانه معادل ۴PS بهای خدمات سالیانه محاسبه و وصول گردد.

تبصره ۳: بهای خدمات سالیانه املاک دارای پروانه در کاربری مجاز و فاقد پایانکار، در صورتی که واحد مذکور مطابق نقشه و پروانه صادره از شهرداری ساخته شده باشد مطابق ۱۳۰٪ عوارض کسب و پیشه محاسبه و وصول گردد.

تبصره ۴: در مورد واحدهای صنفی رستوران‌ها، تالار پذیرایی، سالن غذا خوری و موارد مشابه در محدوده و حریم شهر تا زمان تعیین تکلیف از سوی مراجع ذیربط، در خصوص بهای خدمات بهره‌برداری سالیانه طبق ماده ۲۵ تعرفه عمل گردد.

تبصره ۵: املاک فاقد سابقه تجاری تبصره‌های فوق یا املاکی که طبق ضوابط پارکینگ مورد نیاز را تأمین نکرده‌اند پس از ارسال به مراجع ذیصلاح تا زمان تعیین تکلیف از سوی مراجع قانونی و ذیصلاح و تسویه با شهرداری، سالیانه بهای خدمات به‌ازای

لازم به ذکر است تصویب نامه هیأت وزیران جهت پیشگیری و کنترل بازار مبادلات غیرمجاز ارز با لزوم ثبت سفارش کلیه کالاهای وارداتی به صورت تجاری به کشور از کلیه مبادی ورودی - بازار تقاضا برای ارز را کنترل می‌نماید. بدیهی است هدف از این اقدام کنترل منابع محدود ارزی در شرایط سخت تحریم‌های تجاری (در قالب جنگ اقتصادی تحمیلی به کشور) از واردات کالاهای غیرضروری به سمت کالاهای اساسی و نیازهای ضروری کشور می‌باشد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۲۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

براساس ماده ۱۴ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران: «مبادلات بازرگانی مناطق با خارج از کشور پس از ثبت گمرکی از شمول مقررات صادرات و واردات مستثنی هستند...» و به موجب ماده ۸ قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران: «مبادلات بازرگانی مناطق با خارج از کشور و یا با سایر مناطق ویژه اقتصادی و مناطق آزاد تجاری و صنعتی پس از ثبت در گمرک از حقوق گمرکی، سود بازرگانی و کلیه عوارض ورود و صدور تحت هر عنوان معاف بوده و مشمول محدودیتها و ممنوعیتهای مقررات واردات و صادرات به استثنای محدودیتها و ممنوعیتهای قانونی و شرعی نمی‌شود...» بنا به مراتب فوق و با عنایت به اینکه حکم مقرر در ماده ۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در رابطه با کنترل بازار مبادلات غیرمجاز ارزی وضع شده و منصرف از مبادلات بازرگانی مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی است که بر مبنای موازین قانونی صدرا اشاره، انجام مبادلات بازرگانی آنها با خارج از کشور صرفاً منوط به انجام ثبت گمرکی شده و از شمول تکالیف مقرر در قانون مقررات صادرات و واردات و مشخصاً حکم ماده ۸ قانون مذکور مبنی بر الزام واردکنندگان به انجام ثبت سفارش خارج است، لذا اطلاق بند ۱ تصویب‌نامه شماره ۴۳۵۳/ت/۵۵۳۰۰ ه - ۱۳۹۷/۱/۲۲ هیأت وزیران از آن جهت که ممنوعیت واردات بدون ثبت سفارش را علاوه بر مبادی ورودی کشور به مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی نیز تسری داده، با ماده ۱۴ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۸ قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مغایرت دارد و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

شماره ۹۷۰۳۶۱۰

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۲۷۰ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۸ با موضوع: «ابطال ماده ۸ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۲، ماده ۵۱ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۴، ماده ۴۷ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۶ و ماده ۴۱ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۷ شورای اسلامی شهر همدان» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۲/۲۸ شماره دادنامه: ۲۷۰ شماره پرونده: ۹۷۰۳۶۱۰

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: خانم ویدا ناصرشریفی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۸ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۲ - تبصره ۱ ماده ۶ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۳ - ماده ۵۱ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۴ - تبصره ۱ ماده ۲۰ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۵ - ماده ۴۷ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۶ و ماده ۴۱ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۷ شورای اسلامی شهر همدان

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال ماده ۸ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۲ - ماده ۶ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۳ - ماده ۵۱ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۴ - ماده ۲۰ تعرفه

تبصره ۳: در مورد واحدهای صنفی رستوران‌ها، تالار پذیرایی، سالن غذاخوری و موارد مشابه در محدوده و حریم شهر بهای خدمات بهره‌برداری به صورت سالیانه طبق جدول تبصره ۱ ماده ۵۱ سالیانه تا زمان تعیین و تکلیف از سوی مراجع ذیربط از مالک دریافت گردد.

تبصره ۴: املاک فاقد سابقه تجاری تبصره‌های فوق یا املاکی که طبق پروانه پارکینگ مورد نیاز را تأمین نکرده‌اند تا زمان تعیین تکلیف از سوی مراجع قانونی و تسویه با شهرداری عوارض حق بهره‌برداری از معبر به عنوان پارکینگ به ازای هر پارکینگ تأمین نشده سالیانه برای املاک واقع در رینگ اول ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و رینگ دوم ۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال و رینگ سوم ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال و املاک خارج از رینگ و داخل محدوده ۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال محاسبه و وصول گردد. و در مورد واحدهای موضوع تبصره ۴ معادل ۲ برابر عوارض مندرج در این تبصره اخذ شود.

ماده ۲۰ سال ۱۳۹۵:

عوارض پذیره و بهره‌برداری واحدهای آموزشی، فرهنگی، مذهبی، هنری و ورزشی کد: ۰۱۰۲۰۰۲ ماده ۲۰

عوارض پذیره و بهره‌برداری واحدهای آموزشی، فرهنگی، مذهبی، هنری و ورزشی طبق فرمول $E = M \times P \times S$ بر اساس ضرایب جدول شماره ۶ محاسبه و وصول گردد. عوارض پذیره $E =$ ضریب طبقات $M =$ قیمت منطقه‌ای $P =$

جدول شماره ۶

آموزشی، فرهنگی، مذهبی، هنری و ورزشی	
طبقه	ضریب طبقه (M)
۱- همکف	۵
۲- زیر زمین	۲
۳- طبقه اول	۳
۴- طبقه دوم	۳
۵- طبقه سوم و به بالا	۳
۶- نیم طبقه	۳
۷- انباری	۲

تبصره ۱: جهت آن دسته از اشخاص که در کاربری‌های مغایر با اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیصلاح اقدام به تبدیل به عملکردهای ورزشی، خوابگاه و واحدهای آموزشی غیرانتفاعی می‌نمایند، جهت صدور مجوز بهره‌برداری سالیانه از خوابگاه و سالن‌های ورزشی و مهد کودک با فرمول $P = 0.5$ ، واحدهای آموزشی غیرانتفاعی با فرمول $PS = 0.75$ محاسبه و وصول گردد. پرداخت عوارض مذکور هیچگونه حقی جهت مالک از بابت تغییر کاربری ایجاد نمی‌نماید.

ماده ۴۷ سال ۱۳۹۶:

عوارض سالیانه کسب و پیشه کد: ۰۱۰۴۰۰۳ ماده ۴۷ از ابتدای سال ۱۳۹۶ عوارض سالیانه کسب و پیشه بر اساس فرمول ذیل محاسبه و وصول گردد:

تعرفه کسب و پیشه دوازده ماهه $= (1,5 \times K \times P) +$ عوارض کسب و پیشه که در آن P قیمت منطقه‌ای و K ضریب مساحت واحد صنفی است که بر اساس جدول شماره ۱۹ لحاظ گردد.

جدول شماره ۱۹

تا ۲۰ متر مربع	$K=1/5$
بیش از ۲۰ تا ۳۰ متر مربع	$K=2/5$
بیش از ۳۰ تا ۴۰ متر مربع	$K=3$
بیش از ۴۰ تا ۵۰ متر مربع	$K=3/5$
بیش از ۵۰ تا ۷۰ متر مربع	$K=4$
بیش از ۷۰ تا ۱۰۰ متر مربع	$K=4/5$
بالای ۱۰۰ متر مربع	$K=5/5$

هر پارکینگ تأمین نشده برای املاک واقع در رینگ اول ۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال و رینگ دوم ۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال و رینگ سوم ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال و املاک واقع در حریم شهر ۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال اخذ گردد. در رینگ دوم و سوم مناطق ۳ و ۴ معادل ۶۰٪ مبلغ این تبصره اخذ گردد. در صورت تأمین پارکینگ مشمول عوارض موضوع این تبصره نمی‌گردد.

تبصره ۶: املاک تجاری دارای سابقه که طبق ضوابط پارکینگ مورد نیاز را تأمین نکرده اند پس از ارسال به مراجع ذیصلاح تا زمان تعیین تکلیف از سوی مراجع قانونی و ذیصلاح و تسویه با شهرداری، سالیانه بهای خدمات به ازای هر پارکینگ تأمین نشده برای املاک واقع در منطقه ۱ و ۲ معادل ۸۰٪ و در منطقه ۳ و ۴ معادل ۶۰٪ تبصره ۵ محاسبه و وصول گردد.

مستندات قانونی: تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ و بند ۱۶ ماده ۷۱ و ماده ۷۷ قانون شوراها و ماده ۱۷۴ قانون پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران ماده ۶ سال ۱۳۹۳:

ماده ۶ - کد: ۰۱۰۲۰۰۲ عوارض پذیره یک متر مربع واحدهای آموزشی، فرهنگی، هنری و ورزشی

عوارض واحدهای آموزشی، فرهنگی، هنری، ورزشی و باشگاه‌های ورزشی $A = M \times P$
ضریب طبقات $M =$ ارزش منطقه‌ای $P =$ عوارض پذیره $A =$

جدول شماره ۶

فرهنگی، آموزشی، ورزشی	
۱- همکف	$M = 5$
۲- زیر زمین	$M = 2$
۳- طبقه اول	$M = 3$
۴- طبقه دوم	$M = 3$
۵- طبقه سوم و به بالا	$M = 3$
۶- نیم طبقه	$M = 3$
۷- انباری	$M = 2$

ماده ۵۱ سال ۱۳۹۴:

عوارض و بهای خدمات سالیانه کد: ۰۱۰۴۰۰۳ ماده: ۵۱

با توجه به تاکیدات شورای محترم و به منظور ساماندهی، شناسایی و اخذ بهای خدمات آن دسته از واحدهای کسبی که در کاربری‌های غیرمجاز، یا فاقد پایانکار احداث یا در حال بهره‌برداری می‌باشند مقرر گردید تا تعیین تکلیف از طریق مراجع ذیربط (کمیسیون ماده ۱۰۰، کمیسیون ماده ۵، کمیسیون ماده ۷۷) بهای خدمات بهره‌برداری سالیانه از واحدهای مذکور به شرح ذیل وصول گردد:

لازم به ذکر است دریافت این عوارض یا بهای خدمات هیچگونه حقی جهت ذینفعان یا مالکین ایجاد نخواهد کرد و مدیران مناطق مکلفند در زمان اجرای طرح‌های تفصیلی پرداخت غرامت را بر مبنای کاربری طرح تفصیلی صورت دهند. توضیح: مسئولین درآمد یا متصدیان امور پیشه‌وری پرونده‌های این نوع املاک را به صورت جداگانه و در فرم‌های مخصوص ثبت و ضبط نمایند.

تبصره ۱: در خصوص فعالیت آن دسته از املاکی که فاقد سابقه تجاری بوده و یا برخلاف نقشه و پروانه ساخته شده و دارای تخلف می‌باشد، بهای خدمات به شرح جدول ذیل تا زمان تعیین و تکلیف از سوی مراجع ذیربط از ملک به صورت سالیانه به علاوه بهای خدمات پسماند دریافت گردد ضمناً پرداخت این عوارض سابقه محسوب نشده و هیچ گونه حقی برای مؤدی ایجاد نمی‌کند.

کاربری	دارای سابقه و دارای تخلف	فاقد سابقه
کاربری مجاز	PS	۲PS
کاربری مغایر	۲PS	۶PS

مساحت اعیانی ملک $S =$ مساحت دارای تخلف $S' =$

تبصره ۲: جهت محاسبه عوارض کسب املاکی که دارای پروانه در کاربری مجاز و فاقد پایانکار هستند. در صورتی که واحد مذکور مطابق نقشه و پروانه صادره از شهرداری ساخته شده باشد عوارض سالیانه و سایر عوارض مطابق ۱۳۰٪ تعرفه محاسبه و وصول گردد بهای خدمات بهره‌برداری همانند تبصره یک ماده ۵۱ محاسبه و وصول خواهد شد.

تبره ۱: تعرفه کسب و پیشه به شرح جداول پیوست انتهای این دفترچه می‌باشد.
تبره ۲: در طبقات همکف و زیرزمین فرمول فوق و در طبقات اول، دوم و سوم و بالاتر به ترتیب ۱۰٪، ۲۰٪ و ۳۰٪ از ارزش محاسباتی کسر گردد.
تبره ۳: عوارض مشاغلی که بعداً به وجود می‌آیند و نامی از آنها در تعرفه کسب و پیشه نیست مطابق شغل‌های مشابه وصول گردد.
تبره ۴: هر واحد صنفی تا ابطال کامل پروانه توسط اتحادیه مربوطه، مشمول پرداخت عوارض کسب و بهای خدمات می‌گردد و تعطیلی محل بدون عذر موجه قانونی دلیل عدم وصول عوارض نخواهد بود. مرجع حل اختلاف فی ما بین مؤدی و شهرداری کمیسیون ماده ۷۷ می‌باشد.

تبره ۵: چنانچه بر اساس عوامل غیرمترقبه محل کسب و پیشه تعطیل گردد، فقط با ارائه اسناد مثبته از طریق اتحادیه‌های صنفی یا اتاق اصناف یا سازمان امور مالیاتی پس از تأیید کمیسیون موضوع ماده ۷۷ قانون شهرداری همدان عوارض سالیانه کسب و پیشه اخذ نمی‌گردد.
تبره ۶: در هنگام صدور پروانه کسب، عوارض کسب و پیشه از تاریخ موافقت شهرداری تا آخر همان سال (به نسبت ماههای مورد بهره‌برداری در طول سال) و از سال آتی به طور کامل محاسبه و وصول شود.

تبره ۷: حق افتتاح واحدهای صنفی پنج برابر عوارض کسب همان سال برای یک بار از واحدهای صنفی در زمان صدور پروانه و برای تمدید پروانه کسب یک دوم عوارض حق افتتاح از متقاضیان وصول گردد.

تبره ۸: هرگونه نقل و انتقال، تغییر شغل و جا به جایی (همان مؤدی اولیه دارای پروانه کسب) واحد صنفی مشمول اخذ یک دوم عوارض حق افتتاح می‌گردد. ضمناً هرگونه نقل و انتقال قهری نیز مشمول این تبصره می‌باشد.
مستندات قانونی: تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ و بند ۱۶ ماده ۷۱ و ماده ۷۷ قانون شوراها و ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران ماده ۴۱ سال ۱۳۹۷:

با توجه به تاکیدات شورای اسلامی شهر و به منظور ساماندهی، شناسایی و اخذ بهای خدمات آندسته از واحدهای فاقد پایانکار و یا فاقد سابقه که در حال بهره‌برداری می‌باشند مقرر گردید تا تعیین تکلیف از طریق مراجع ذیربط (کمیسیون ماده ۵، کمیسیون ماده ۷۷) بهای خدمات سالیانه از واحدهای مذکور به شرح ذیل وصول گردد:

۱- واحدهای فاقد سابقه در کاربری مجاز و مغایر برابر ۲PS سالیانه محاسبه و نسبت به ماههای بهره‌برداری اخذ شود.

۲- واحدهای دارای سابقه در کاربری مجاز و مغایر برابر ۲PS سالیانه محاسبه و نسبت به ماههای بهره‌برداری اخذ شود.

مساحت دارای تخلف = S
مساحت اعیانی ملک = S
توضیح: لازم به ذکر است اعمال بندهای فوق هیچگونه حقی جهت ذینفعان یا مالکین بابت ایجاد سابقه و تغییر کاربری موجب نخواهد شد و مدیران مناطق مکلفند در زمان اجرای طرحهای تفصیلی پرداخت غرامت را بر مبنای کاربری طرح تفصیلی صورت دهند. ضمناً مسئولین درآمد و متصدیان امور پیشه وری پرونده‌های این نوع املاک را به صورت جداگانه و در فرمهای مخصوص ثبت و ضبط نمایند.

تبره ۱: در خصوص املاک واقع در مسیر چنانچه مالک تقاضای استفاده از ملک مذکور را داشته باشد با درخواست کتبی مالک و ارائه تهمذنامه محضری مبنی بر عدم ایجاد سابقه و عدم تغییر کاربری سالیانه معادل ۲PS وصول گردد.

تبره ۲: مجتمع‌های تجاری که در حال حاضر بیش از ۱۰ واحد تجاری دارند چنانچه در کاربری مجاز احداث و فاقد پایانکار باشند واحدهای مطابق در سابقه پروانه معادل ۱PS و واحدهای مغایر با پروانه معادل ۳PS سالیانه محاسبه و وصول گردد سپس جهت تعیین تکلیف پرونده به کمیسیون ماده ۱۰۰ ارسال گردد.

تبره ۳: املاک دارای پروانه در کاربری مجاز و فاقد پایانکار، در صورتی که واحد مذکور مطابق نقشه و پروانه صادره از شهرداری ساخته شده باشد برابر عوارض کسب و پیشه محاسبه و وصول گردد.

تبره ۴: املاک فاقد سابقه تبصره‌های فوق یا املاکی که طبق ضوابط پارکینگ مورد نیاز را تأمین نکرده‌اند پس از ارسال به مراجع ذیصلاح تا زمان تعیین تکلیف از سوی مراجع قانونی و ذیصلاح و تسویه با شهرداری، سالیانه بهای خدمات استفاده از معبر به عنوان پارکینگ جهت هر واحد پارکینگ برای املاک واقع در رینگ اول ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال و رینگ دوم ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال و رینگ سوم ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال و املاک واقع در

تبره ۷: در صورتی که املاک موضوع تبصره ۶ فاقد سابقه در شهرداری باشد تا زمان تعیین تکلیف برابر ضوابط شهرداری در مراجع ذیربط معادل $P \times 0.5$ مساحت عرصه و $2 \times P$ در مساحت اعیان سالیانه محاسبه و اخذ گردد. اخذ هزینه فوق موجبات ایجاد هیچ گونه حقی برای واحدهای مذکور نخواهد شد.

تبره ۸: در اجرای تبصره یک ماده پنجاه قانون مالیات بر ارزش افزوده و مواد ۳ و ۱۴ آیین‌نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض توسط شوراهای اسلامی شهر، بخش و شهرک مصوب ۱۳۷۸/۷/۷ و جلوگیری از سرشکن شدن هزینه‌های عمرانی و خدماتی شهر همدان ناشی از حضور و فعالیت شرکت‌های دولتی و شرکت‌های وابسته به بنیادها و نهادهای مستقر در شهر همدان بر اقشار آسیب‌پذیر و سایر شهروندان، به شهرداری همدان اجازه داده می‌شود از ابتدای سال ۱۳۹۷ نسبت به وصول بهای خدمات فعالیت از مؤسسات فوق‌الذکر در شهر همدان به شرح ذیل اقدام نماید:

$T = 10\% \times P \times S$
T = عوارض سالیانه فعالیت = S = مساحت بنا P = ارزش محاسباتی
تبره ۹: آن دسته از شرکت‌های اداری انتظامی که مشمول عوارض کسب و پیشه می‌باشند، مشمول این مصوبه نخواهند شد.

تبره ۱۰: در مورد مشاغل تبصره بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری بابت توسعه زیرساخت‌های شهری و تجهیزات آشنشانی برای یک بار $P \times S \times 1/5$ نسبت به مساحت اعیانی محاسبه و وصول شود.

در پاسخ به شکایت مذکور، شهردار همدان به موجب لایحه شماره ۱۰/۱۱/۴۵۱۰۸۶ - ۱۳۹۷/۹/۵ پاسخ داده است که:

۱- آن دسته از اشخاص که در کاربریهای مغایر با اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیصلاح اقدام به تبدیل عملکردهای ورزشی، خوابگاه و واحدهای آموزشی غیرانتفاعی می‌نمایند، جهت صدور مجوز بهره‌برداری سالیانه از واحدهای آموزشی غیرانتفاعی با فرمول مندرج در ماده ۴۱ صفحه ۸۸ تعرفه سال ۱۳۹۷ و ماده ۴۷ صفحه ۵۱ تعرفه سال ۱۳۹۶ ماده ۲۰ صفحه ۱۸ تعرفه سال ۱۳۹۵ ماده ۵۱ صفحه ۶۱ تعرفه سال ۱۳۹۴ ماده ۶ صفحه ۷ تعرفه سال ۱۳۹۳ و ماده ۸ صفحه ۸ تعرفه سال ۱۳۹۲ رأی معترض‌عنه محاسبه گردیده و طبق مواد فوق‌الذکر پرداخت عوارض مذکور هیچگونه حقی جهت مالک از بابت تغییر کاربری ایجاد نمی‌کند.

۲- بر اساس بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداریها «شهرداری در شهرهایی که نقشه جامع شهر تهیه شده مکلف است طبق ضوابط نقشه مذکور در پروانه‌های ساختمانی نوع استفاده از ساختمان را قید کند، در صورتی که برخلاف مندرجات ساختمانی در منطقه غیرتجاری محل کسب یا پیشه و تجارت دایر شود شهرداری مورد را در کمیسیون مقرر در تبصره ۱ ماده ۱۰۰ این قانون مطرح می‌نماید و کمیسیون در صورت احراز تخلف مالک یا مستاجر با تعیین مهلت مناسب که نباید از دو ماه تجاوز نماید در مورد تعطیل محل کسب یا پیشه و یا تجارت ظرف مدت یک ماه اتخاذ تصمیم می‌کند. دایر کردن دفتر وکالت و مطب و دفتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتر روزنامه و مجله و دفتر مهندسی به وسیله مالک از نظر این قانون استفاده تجاری محسوب نمی‌شود». لیکن برحسب این ماده از قانون شهرداریها، فعالیت آموزشگاه زبان خارجه جزء مشاغل فوق محسوب نمی‌گردد و لذا با توجه به بند اول اخذ عوارض بهای خدمات و حق بهره‌برداری

اخذ عوارض صدور پروانه ساختمانی در تراکم پایه و مزاد بر تراکم توسط شوراهای اسلامی شهر و شهرداریها طبق بند (ب) دادنامه شماره ۷۹ - ۱۳۹۵/۲/۲۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغبیر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی تشخیص نگردیده است. ثالثاً: در بند ۳ ماده ۱۳ قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استانها، شهرستانها و مناطق کشور مصوب سال ۱۳۷۲ اخذ عوارض پذیره تجویز شده است. لذا به دلایل فوق، تبصره ۱ ماده ۶ تعرفه عوارض شهرداری همدان در سال ۱۳۹۳ و تبصره ۱ ماده ۲۰ تعرفه عوارض شهرداری همدان در سال ۱۳۹۵ تحت عنوان عوارض پذیره یک متر مربع واحدهای آموزشی، فرهنگی، هنری و ورزشی که به تصویب شورای اسلامی شهر همدان رسیده‌اند، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار نبوده و قابل ابطال تشخیص داده نشد.

ب - مطابق بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری مقرر شده است که: «شهرداری در شهرهایی که نقشه جامع شهر تهیه شده مکلف است طبق ضوابط مذکور در پروانه‌های ساختمانی نوع استفاده از ساختمان را قید کند و در صورتی که برخلاف مندرجات پروانه ساختمانی در منطقه غیرتجاری، محل کسب یا پیشه یا تجارت دایر شود، شهرداری مورد را در کمیسیون مقرر در تبصره ۱ ماده ۱۰۰ مطرح می‌نماید.» نظر به اینکه اعطای مجوز به اشخاص برخلاف کاربری مندرج در پروانه ساختمانی و اخذ وجه از بابت کاربری غیرمجاز با احکام مقرر در بند ۲۴ ماده ۵۵ و ماده ۱۰۰ قانون شهرداری مغایرت دارد و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز به موجب دادنامه‌های متعدد از جمله دادنامه‌های شماره ۸۵ - ۱۳۹۶/۲/۱۲ و شماره ۴۸۹ - ۱۳۹۶/۵/۲۴ اخذ عوارض سالیانه بابت بهره‌برداری موقت از ساختمانهای را مغبیر قانون و خارج از حدود اختیارات شوراهای اسلامی شهر تشخیص داده و ابطال کرده است، بنابراین ماده ۸ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۲، ماده ۵۱ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۴، ماده ۴۷ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۶ و ماده ۴۱ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۷ شهرداری همدان که به تصویب شورای اسلامی شهر همدان رسیده، مغبیر قانون و خارج از حدود اختیار بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

طبق تعرفه عوارض محلی که به تایید شورای شهر و به تصویب وزارت کشور رسیده است مغبیرتی با ضوابط و مقررات ندارد.

۳- با توجه به استناد مالک به‌ابین‌نامه نحوه استقرار مدارس غیردولتی در مناطق و محلات مختلف که عنوان داشته «استقرار مدارس غیردولتی در فضاهای (عرصه و اعیان) با کاربری آموزشی و غیرآموزشی با رعایت ضوابط و مقررات آموزش و پرورش بلامانع است» ولی این موضوع مطلق نبوده و متعاقب آن برای ساختمان شرایطی در نظر گرفته شده که می‌بایستی جوانب فنی و ایمنی ساختمان و تایید استحکام بنا واحداث مدارس غیردولتی با رعایت آیین‌نامه طراحی و ضوابط مکان یابی فضاهای آموزشی از سوی سازمان نوسازی توسعه و تجهیز مدارس کشور و واحدهای تابع صورت پذیرد. بر این اساس نقشه‌های ارائه شده جهت احداث فضای آموزشی توسط موسسان که به تایید وزارت آموزش و پرورش (سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور) رسیده باشد، مبنای صدور مجوز احداث در شهرداریهای کشور است. لیکن در خصوص اخذ مجوزهای لازم هیچ سابقه و اقدامی از سوی شاکی در پرونده شهرداری موجود نمی‌باشد.

۴- عوارض درخواستی از مالک صرفاً بابت نوع فعالیت ایشان بوده و به تغییر کاربری مربوط نمی‌باشد و در متن رأی صادره نیز به نوع عوارض دریافتی مبنی بر بهای خدمات و بهره‌برداری اذعان گردیده است.

الف - مستند به بند ۱۶ ماده ۷۱ و ماده ۷۷ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن از اختیارات شورای اسلامی شهر است و شهرداریها تنها مجری مصوبات شورای اسلامی می‌باشند و در وضع عوارض هیچ دخالتی ندارند و تا زمانی که مصوبات شورای شهر ملغی نگردیده شهرداری مکلف به اجرای آن می‌باشد و نظر به اینکه در مانحن فیه تاکنون هیچ رأیی از دیوان عدالت اداری مبنی بر ابطال این عوارض صادر نگردیده است. لذا دارای اعتبار بوده و لازم‌الاجرا می‌باشد.

ب - مطابق تبصره ۳ ماده قانون موسوم به تجمیع عوارض و تبصره ۳ ماده ۵ قانون مالیات بر ارزش افزوده، قوانین و مقررات مربوط به اعطای تخفیف یا معافیت از پرداخت عوارض یا وجوه به شهرداری ملغی اعلام گردیده و قانونگذار در تبصره‌های مذکور مطلق کلیه قوانین را اعلام و ابرام نموده است. لذا مستنداً به موارد و مراتب مذکور تقاضای رسیدگی و تایید رأی معترض‌عنه و رد شکایت شاکی را استدعا دارد.

رسیدگی به موضوع از جمله مصادیق حکم ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود و هیأت مذکور به موجب دادنامه شماره ۷۶۲-۱۳۹۹/۵/۶- ماده ۶ سال ۱۳۹۳ و ماده ۲۰ سال ۱۳۹۵ تعرفه عوارض شهرداری همدان تحت عنوان عوارض پذیره یک مترمربع واحدهای آموزشی، فرهنگی، هنری و ورزشی با کد ۱۰۲۰۰۲ به جزء تبصره ۱ مواد مذکور از مصوبات شورای اسلامی شهر همدان را قابل ابطال تشخیص نداد و حکم به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعی یافت.

رسیدگی به ماده ۸ تعرفه سال ۱۳۹۲- تبصره ۱ ماده ۶ تعرفه سال ۱۳۹۳- ماده ۵۱ تعرفه سال ۱۳۹۴- تبصره ۱ ماده ۲۰ تعرفه سال ۱۳۹۵ - ماده ۴۷ تعرفه سال ۱۳۹۶ و ماده ۴۱ تعرفه سال ۱۳۹۷ در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۲۸ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - اولاً: براساس بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی، تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهری و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌شود، از جمله وظایف و مسئولیتهای شورای اسلامی شهر محسوب شده و در تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ نیز وضع عوارض محلی جدید که تکلیف آنها در قانون مذکور مشخص نشده باشد، با رعایت مقررات مربوطه تجویز شده است. ثانیاً: وضع و

۱۴۰۰/۳/۲۳

شماره ۹۸۰۳۶۴۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۲۷۱ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۸ با موضوع: «ابطال بند ثالث ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی بندهای (الف) و (ب) ماده ۱۲۷ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب سال ۱۳۶۸/۴/۲۵ جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۲/۲۸ شماره دادنامه: ۲۷۱ شماره پرونده: ۹۸۰۳۶۴۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای بهمن زبردست

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ثالث ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی بندهای

(الف) و (ب) ماده ۱۲۷ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب سال ۱۳۶۸/۴/۲۵

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال بند ثالث ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی

بندهای (الف) و (ب) ماده ۱۲۷ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب سال ۱۳۶۸/۴/۲۵ را

خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" با سلام و احترام، با تقدیم آیین‌نامه اجرایی بندهای (الف) و (ب) ماده ۱۲۷ قانون مالیاتهای مستقیم به استحضار می‌رساند، در بند ثالث ماده ۲ آیین‌نامه در خصوص یکی از شروط مشمول مالیات اتفاقی نبودن «وجوه یا کمک‌های مالی اهدایی به خسارت دیدگان جنگ، زلزله، سیل، آتش سوزی و یا حوادث غیرمترقبه دیگر» مقرر شده: «ثالثاً: وجه یا کمک مالی ظرف یک سال از تاریخ وقوع خسارت اهداء شده باشد» گرچه تبصره ذیل ماده ۱۲۷ قانون مالیاتهای مستقیم مقرر نموده «ضوابط اجرایی بندهای (الف) و (ب) طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت کشور تهیه

خواهد شد. اما از آنجا که مقنن ذکری از تعیین شرط زمانی برای مشمول مالیات اتفاقی نشدن کمک‌های اهدایی ننموده، همچنین در مواد ۲ و ۳ آیین‌نامه شروط مفصلی مانند تأیید وقوع خسارت ناشی از حوادث مذکور در بند (ب) توسط فرماندار یا بخشدار محل وقوع خسارت، تعیین میزان خسارت وارده توسط ممیز مالیاتی و نماینده دادگستری محل وقوع خسارت، بیش از خسارت وارده نشدن مجموع وجوه یا کمک‌های مالی از طرف اشخاص به هر خسارت دیده، ارسال فهرست ارسالی کمک‌ها پس از تأیید فرماندار یا بخشدار محل به سازمان امور مالیاتی، برای این عدم شمول ذکر شده که در صورت عدم رعایت هر یک از آنها، پرداخت‌کننده و دریافت‌کننده کمک‌ها «متضامناً مسئول پرداخت مالیات متعلقه خواهند بود»، لذا به نظر می‌رسد با توجه به وجود این شروط مفصل و این که در هر حال کمک‌های اهدایی صرفاً تا میزان خسارت تعیین شده توسط سازمان امور مالیاتی و به شرط گزارش در موعد مقرر یک ماهه به‌این سازمان، مشمول مالیات اتفاقی نخواهد شد، افزودن شرط اضافی موعد یک ساله برای اهدا، هم مصداق تضییق حدود و ثغور و مغایر با ماده ۱۲۷ قانون مالیاتهای مستقیم و مراد مقنن از این ماده جهت کمک به خسارت دیدگان جنگ، زلزله، سیل، آتش سوزی و یا حوادث غیرمترقبه است و هم خارج از حدود اختیاراتی که به موجب تبصره ذیل ماده ۱۲۷ و در چهارچوب این ماده، به وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و کشور، جهت تهیه‌این‌نامه تفویض شده و در عمل موجبات تضییع احتمالی حقوق قانونی آسیب دیدگان را فراهم خواهد نمود. لذا با عنایت به‌این مغایرت با قانون و نیز خارج از حدود اختیارات بودن شرط «ثالثاً: وجه یا کمک مالی ظرف یک سال از تاریخ وقوع خسارت اهداء شده باشد»، از آن مقام عالی درخواست ابطال آن را دارم.

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

" آیین‌نامه اجرایی بندهای (الف) و (ب) ماده ۱۲۷ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ۱۳۶۸/۴/۲۵:

.....

ماده ۲- وجوه یا کمک‌های مالی اهدایی موضوع بند (ب) با احراز شرایط ذیل مشمول مالیات اتفاقی نخواهد بود. اولاً: وقوع خسارت ناشی از حوادث مذکور در بند (ب) بوده و به تأیید فرماندار یا بخشدار محل وقوع خسارت رسیده باشد. ثانیاً: میزان خسارت وارده توسط ممیز مالیاتی و نماینده دادگستری محل وقوع خسارت و عندالاقضاء با استفاده از اظهار نظر اشخاص بصیر و مطلع که از طرف فرماندار یا بخشدار محل معرفی خواهد شد تعیین شده باشد میزان خسارتی که به ترتیب مذکور تعیین می‌شود برای استفاده از معافیت مالیاتی قطعی است. ثالثاً: وجه یا کمک مالی ظرف یک سال از تاریخ وقوع خسارت اهداء شده باشد. رابعاً: مجموع وجوه یا کمک‌های مالی از طرف اشخاص به هر خسارت دیده بیش از خسارت وارده نباشد اهدایی مازاد بر خسارت وارده مشمول مالیات اتفاقی خواهد بود. - وزیر کشور و وزیر امور اقتصادی و دارایی "

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی وزارت امور اقتصادی و دارایی به موجب لایحه شماره ۹۱/۲۸۹۲-۱۳۹۹/۱/۱۸، نامه شماره ۲۰۰/۲۴۷۹۵-ص - ۱۳۹۸/۱۲/۲۸ معاون امور حقوقی و مجلس سازمان امور مالیاتی کشور را ارسال کرده است که متن آن به قرار زیر است:

" جناب آقای دکتر جلیلی

معاون محترم امور حقوقی و مجلس

با سلام و احترام:

بازگشت به نامه شماره ۹۱/۲۱۸۹۵۶-۱۳۹۸/۱۱/۶ موضوع درخواست ابطال بند ثالث مقرر در ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی موضوع بندهای (الف) و (ب) ماده ۱۲۷ قانون مالیاتهای مستقیم، به استحضار می‌رساند: به استناد تبصره ماده ۱۲۷ قانون یاد شده «ضوابط اجرایی بندهای (الف) و (ب) طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت کشور تهیه خواهد شد.» با توجه به مقررات مواد ۱۲۳، ۱۲۶ و ۱۵۶ قانون ذکر شده منافی است که به اشخاص واگذار می‌شود به صورت سالانه مشمول پرداخت مالیات است، ضمن اینکه اظهارنامه مالیاتی بابت درآمد مذکور، می‌بایست برای یک سال مالیاتی تسلیم گردد و رسیدگی به اظهارنامه اشخاص نیز به طور سالانه انجام می‌گیرد. همچنین مقررات بند ثالث معترض‌عنه که مقرر می‌دارد «وجه یا کمک مالی ظرف یک سال از تاریخ وقوع خسارت اهدا شده باشد» در راستای نظم دهی و ایجاد شفافیت و به موجب اختیارات حاصله از تبصره ماده ۱۲۷ قانون مذکور در خصوص پرداخت به خسارت دیدگان وضع شده و مفاد آن با مدلول مواد ۱۲۳، ۱۲۶ و ۱۵۶ قانون اشاره شده مطابقت داشته و با توجه به مقررات حاکم

در خصوص تسلیم اظهارنامه برای درآمد یک سال و رسیدگی به آن به طور سالانه تهیه شده است. با عنایت به مراتب مزبور، بند مورد بحث خلاف قانون و خارج از حیطه اختیارات وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت کشور نمی‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۲۸ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

بر مبنای بند «ب» ماده ۱۲۷ قانون مالیاتهای مستقیم: «وجه یا کمک‌های مالی اهدایی به خسارت دیدگان جنگ، زلزله، سیل، آتش‌سوزی و یا حوادث غیرمترقبه دیگر» مشمول مالیات اتفاقی نخواهد بود. نظر به اینکه قسمت ثالثاً از ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی بندهای «الف» و «ب» ماده ۱۲۷ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۸/۴/۲۵ با افزودن شرط جدید مبنی بر اینکه «وجه یا کمک مالی ظرف یکسال از تاریخ وقوع خسارت اهدا شده باشد»، موجب تضییق حکم قانونگذار شده، لذا مقرر مذکور با حکم مقرر در بند «ب» ماده ۱۲۷ قانون مالیاتهای مستقیم مغایر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

۱۴۰۰/۳/۲۳

شماره ۹۸۰۲۵۸۳

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰/۲/۲۸ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۸ با ۱۴۰۰/۲/۲۸ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۸ و ۱۴۰۰/۲/۲۸ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۸ با موضوع: «ابطال جزء (ب) از بند ۲ بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۷/۱۷۷ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۸ سازمان امور مالیاتی کشور» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۲/۲۸ شماره دادنامه: ۲۷۳-۲۷۲

شماره پرونده: ۹۹۰۰۹۰۸ و ۹۸۰۲۵۸۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقایان وحید خسروی و بهمن زبردست

موضوع شکایت و خواسته: ابطال جزء (ب) از بند ۲ بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۷/۱۷۷ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۸ سازمان امور مالیاتی کشور

گردش کار: الف - آقای وحید خسروی به موجب دادخواستی ابطال جزء (ب) از بند ۲ بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۷/۱۷۷ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۸ سازمان امور مالیاتی کشور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده است که:

" ۱- فارغ از مباحث تخصصی و استدلال‌های سازمان امور مالیاتی کشور و دیوان عدالت اداری در پذیرش هزینه‌های کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌ها (جاری) به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی، تلقی افزایش ارزش در سرمایه‌گذاری به عنوان درآمد مشمول مالیات و به طور متقابل عدم قبول کاهش ارزش آن به عنوان هزینه مالیاتی، با عدالت و انصاف که در واقع از اهداف اصلی قانونگذاران است، سازگار نیست.

۲- علی‌رغم آن که استناد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تلقی هزینه کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌ها به عنوان هزینه‌های قابل قبول در دادنامه شماره ۱۲۱۵ - ۱۳۹۳/۷/۱۴، مفاد بند ۱۲ ماده ۱۴۸ قانون مالیات‌ها مصوب سال ۱۳۶۶ (سوی صحت استناد مورد استفاده) بوده لیکن سازمان امور مالیاتی کشور با استناد به تغییر مفاد قانون مالیاتهای مستقیم از مورخ ۱۳۹۴/۴/۳۱ نسبت به صدور بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۷/۱۷۷ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۸ اقدام و مجدداً هزینه کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌های جاری را به عنوان هزینه‌های غیرقابل قبول تلقی نموده حال آن که ماده قانونی مزبور در اصلاحیه سال ۱۳۹۴، دستخوش تغییر نشده است. لذا استناد سازمان در صدور این بخشنامه قابل قبول نمی‌باشد.

نخواهد بود.» یعنی از یک سو زیان ناشی از کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌های جاری، با این استدلال که این زیان مربوط به درآمدهای نقل و انتقال سهام است که وفق تبصره ۱ ماده ۱۴۳ و ۱۴۳ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم، صرفاً در هنگام نقل و انتقال و مقطوعاً وصول می‌شود، لذا وفق تبصره ۲ ماده ۱۴۷ چنین زیانی هزینه قابل قبول مالیاتی نیست و از سوی دیگر بدون توجه به این استدلال، خالص افزایش سرمایه‌گذاری‌های مذکور به عنوان درآمد مشمول مالیات فرض شده در حالی که این دو استدلال مانع‌الجمعند. یعنی اگر استدلال نخست در خصوص قابل قبول مالیاتی نبودن زیان کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌های جاری به دلیل مقطع بودن درآمدهای مربوط به آن را بپذیریم، پس تنها مالیات متعلق به چنین سهامی، صرفاً همان مالیات مقطوع زمان نقل و انتقال موضوع تبصره ۱ ماده ۱۴۳ و ماده ۱۴۳ مکرر خواهد بود و دیگر شمول مالیات به خالص افزایش سرمایه‌گذاری‌های مذکور در همین بند از بخشنامه غیرقانونی است و اگر استدلال دوم یعنی شمول مالیات به خالص افزایش سرمایه‌گذاری‌های مذکور را بپذیریم، استدلال نخست در خصوص هزینه قابل قبول مالیاتی نبودن زیان کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌های جاری غیرقانونی است. در واقع همزمان هم استدلال شده که افزایش ارزش سرمایه‌گذاری‌های جاری در پایان دوره مالی مشمول مالیاتی غیر از مالیات مقطوع موضوع تبصره ۱ ماده ۱۴۳ و ماده ۱۴۳ مکرر است و هم اینکه به دلیل مقطع بودن درآمدهای مربوط به تغییر ارزش سرمایه‌گذاری‌های جاری، زیان ناشی از کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌های جاری، از نظر مالیاتی هزینه قابل قبول نخواهد بود. جدای از مانع‌الجمع بودن این دو استدلال که موجب مغایرت بند ۲ بخشنامه مورد اعتراض با تبصره ۱ ماده ۱۴۳ و ماده ۱۴۳ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم از یک سو و مغایرت با تبصره ۲ ماده ۱۴۷ این قانون از سوی دیگر می‌گردد، حکم به غیرقابل قبول بودن زیان کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌های جاری همچنین در مغایرت آشکار با رأی شماره ۱۲۱۵ - ۱۳۹۳/۷/۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است. لذا از آن مقام جهت اعمال رأی ۱۲۱۵ مذکور، در خصوص قابل قبول تلقی شدن زیان (هزینه) کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌ها و احقاق حق قانونی مؤدیان درخواست اعمال ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و ابطال بند (ب) بخشنامه مورد اعتراض، بدون طی تشریفات مقرر در ماده ۸۳ این قانون را دارم. همچنین آقای بهمن زبردست به موجب لایحه تکمیلی مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۱۴ اعلام کرده است که:

“ از آنجا که درخواست ابطال بند (ب) بخشنامه مذکور، همچنان که در پایان دادخواست نیز ذکر شده صرفاً جهت قابل قبول تلقی شدن زیان (هزینه) کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌ها بوده و این امر با ابطال یک عبارت از بند (ب) بخشنامه هم محقق می‌شود، لذا ضمن ابقای مابقی دادخواست، با کسب اجازه از آن مقام ارجمند، جهت رفع ابهام از دادخواست و تدقیق خواسته آن، از محضران درخواست تغییر موضوع دادخواست به ابطال عبارت «و در صورت زیان با توجه به تبصره ۲ ماده ۱۴۷ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ زیان مذکور قابل پذیرش نخواهد بود.» از بند (ب) بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۷/۱۷۷ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۸ سرپرست سازمان امور مالیاتی کشور را دارم.”

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

“ جز (ب) از بند (۲) بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۷/۱۷۷ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۸ سازمان امور مالیاتی کشور:

«۲- هرگاه در اثر نگهداری سهام ناشی از سرمایه‌گذاری‌ها، اقدام به انعکاس ارزش تعدیل شده سرمایه‌گذاری‌ها گردد، به موجب استاندارد حسابداری شماره ۱۵ آثار تعدیلات یاد شده به روش‌های زیر در حسابها منعکس می‌گردد.

الف - ...

ب - در خصوص سرمایه‌گذاری‌های جاری (اعم از سریع‌المعامله و سایر سرمایه‌گذاری‌های جاری) که به ارزش بازار یا خالص ارزش فروش در دفاتر منعکس می‌گردد، خالص افزایش سرمایه‌گذاری‌های مذکور به عنوان درآمد، مشمول مالیات می‌باشد و در صورت زیان با توجه به تبصره (۲) ماده ۱۴۷ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ زیان مذکور قابل پذیرش نخواهد بود. در ضمن افزایش ارزش سرمایه‌گذاری تا سقف کاهش ارزش قبلی همان سرمایه‌گذاری (در صورتی که در سنوات قبل هزینه کاهش ارزش آن در محاسبه خالص افزایش سرمایه‌گذاری‌های آن دوره منظور نشده باشد) مشمول مالیات نخواهد بود.»

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی سازمان امور مالیاتی کشور به موجب نامه شماره ۱۳۹۸/۹/۵ - ص/۲۱۲/۱۵۳۶۷ و مدیرکل دفتر حقوقی و قراردادهای

۳- در بخشنامه مورد شکایت برای عدم پذیرش هزینه کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌ها به تبصره ۲ ماده ۴۷ قانون مبنی بر غیرقابل قبول بودن هزینه‌های مربوط به درآمدهای معاف، نرخ صفر یا با نرخ مقطوع استناد شده است (که به نظر اینجانب صحیح و قابل قبول است) لیکن در همان بخشنامه افزایش ارزش سرمایه‌گذاری‌های جاری را به عنوان درآمد مشمول مالیات تلقی کرده است که این نوعی دوگانگی در برخورد با آثار مالی ناشی از نگهداشت یک دارایی است. به عبارت دیگر سازمان امور مالیاتی کشور از یکسو سرمایه‌گذاری‌ها را مشمول ارقام دارای نرخ مقطوع دانسته و هزینه کاهش ارزش سرمایه‌گذاری را نپذیرفته و از سوی دیگر در همان فراز افزایش ارزش سرمایه‌گذاری‌ها را درآمد مشمول مالیات محسوب کرده است که این امر خلاف قانون مالیات‌های مستقیم و استناد سازمان مالیاتی مبنی بر مقطوع بودن مالیات سرمایه‌گذاری‌هاست. به طور مشخص سازمان مالیاتی یا باید افزایش ارزش ناشی از نگهداری سرمایه‌گذاری‌ها درآمد مشمول مالیات تلقی نماید و بالطبع باید هزینه کاهش ارزش آن هم به عنوان هزینه قابل قبول بپذیرد (که البته این روش منطبق با قانون نمی‌باشد) یا باید طبق قانون مالیات‌ها درآمد افزایش ارزش سرمایه‌گذاری‌ها را در زمره درآمدهای مالیاتی با نرخ مقطوع (با توجه به مفاد مواد ۱۴۳ و ۱۴۳ مکرر قانون) قلمداد و از احتساب مالیات مضاعف بابت افزایش ارزش سرمایه‌گذاری خودداری نماید و در همین راستا هزینه کاهش ارزش آن هم غیرقابل قبول خواهد بود.

۴- از دیگر ایرادات بخشنامه مورد شکایت که منجر به جلوگیری از شفافیت و تضییع احتمالی حقوق سرمایه‌گذاران می‌گردد. بی توجهی به دیگر روش نگهداری سرمایه‌گذاری‌های جاری طبق استانداردهای حسابداری توسط سازمان امور مالیاتی کشور است. در بند (ب) بخشنامه صرفاً به سرمایه‌گذاری‌های جاری که به روش ارزش بازار یا خالص ارزش فروش نگهداری می‌شوند اشاره شده، بنابراین در صورتی که روش نگهداری سرمایه‌گذاری مؤدی اقل بهای تمام شده و خالص ارزش فروش باشد. (با توجه به مفاد این بخشنامه و رأی دیوان عدالت اداری) هزینه کاهش ارزش آن قابل قبول تلقی خواهد شد. به معنای دیگر اگر مؤدی از روش ارزش بازار یا خالص فروش که انطباق بیشتری با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی داشته و اطلاعات شفافتری ارائه می‌دهد استفاده کند نه تنها از مزیتی بهره مند نمی‌شود، بلکه دچار تنبیهات مالیاتی نیز خواهد شد.

۵ - نکته قابل توجه دیگر اینکه ۸ روز قبل از صدور بخشنامه مورد بحث، لایحه اصلاح موادی از قانون مالیات‌های مستقیم که ۱۳۹۷/۱۱/۲۸ در هیأت وزیران تصویب شده و طبق مقدمه توجیهی آن جهت افزایش شفافیت و انضباط مالی بوده از سوی رئیس جمهوری تقدیم مجلس شورای اسلامی شده است. به موجب خلاصه بند ۵ لایحه مزبور مقرر شده که «ارزایی دارایی‌ها به ارزش منصفانه یا ارزش‌های جاری، با رعایت استانداردهای حسابداری ملی یا استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی که توسط مراجع ذی ربط الزامی شده یا می‌شود، مشمول پرداخت مالیات بر درآمد نیست و هزینه کاهش ارزش بهای آن نیز به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی تلقی نمی‌شود» بنابراین تفاوت موجود در برخورد با یک موضوع در مفاد لایحه مزبور که علی‌القاعده از مجرای سازمان امور مالیاتی کشور تهیه و تدوین شده با بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۷/۱۷۷ خود موضوعی مبهم و سوال برانگیز است.

با توجه به مراتب فوق ابطال فراز ابتدای جزء (ب) از بند ۲ بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۷/۱۷۷ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۸ سازمان امور مالیاتی کشور مبنی بر احتساب افزایش سرمایه‌گذاری‌های جاری به عنوان درآمد مشمول مالیات با توجه به مقطوع بودن نرخ مالیاتی سرمایه‌گذاری‌ها (مفاد مواد ۱۴۳ و ۱۴۳ مکرر قانون) و سایر دلایل پیش گفته از دیوان عدالت اداری مورد استدعاست.”

ب - آقای بهمن زبردست به موجب دادخواستی ابطال جزء (ب) از بند ۲ بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۷/۱۷۷ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۸ سازمان امور مالیاتی کشور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

“ با سلام و احترام به استحضار می‌رساند در بند (ب) بخشنامه مورد اعتراض مقرر شده «در خصوص سرمایه‌گذاری‌های جاری (اعم از سریع‌المعامله و سایر سرمایه‌گذاری‌های جاری) که به ارزش بازار یا خالص ارزش فروش در دفاتر منعکس می‌گردد، خالص افزایش سرمایه‌گذاری‌های مذکور به عنوان درآمد، مشمول مالیات می‌باشد و در صورت زیان با توجه به تبصره ۲ ماده ۱۴۷ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ زیان مذکور قابل پذیرش نخواهد بود. در ضمن افزایش ارزش سرمایه‌گذاری تا سقف کاهش ارزش قبلی همان سرمایه‌گذاری (در صورتی که در سنوات قبل هزینه کاهش ارزش آن در محاسبه خالص افزایش سرمایه‌گذاری‌های آن دوره منظور نشده باشد) مشمول مالیات

مالیاتی به موجب نامه شماره ۱۳۹۹/۴/۳۱ - ص ۲۱۲/۷۰۴۵، ضمن ارسال نامه شماره ۱۳۹۸/۸/۲۲ - د/۲۳۲/۴۱۰۸۷ مدیرکل دفتر فنی و حسابرسی مالیاتی، اجمالاً توضیح داده‌اند که:

«طبق تبصره ۱ ماده ۱۴۳ قانون مالیاتهای مستقیم «از هر نقل و انتقال سهام و سهم‌الشرکه و حق تقدم سهام و سهم‌الشرکه که شرکا در سایر شرکتها مالیات مقطوعی به میزان چهار درصد (۴٪) ارزش اسمی آنها وصول می‌شود از این بابت وجه دیگری به عنوان مالیات بر درآمد نقل و انتقال فوق مطالبه نخواهد شد.» به استناد ماده ۱۴۳ مکرر قانون یاد شده «از هر نقل و انتقال سهام و حق تقدم سهام شرکتها اعم از ایرانی و خارجی در بورس‌ها یا بازارهای خارج از بورس دارای مجوز، مالیات مقطوعی به میزان (۵٪) ارزش فروش سهام و حق تقدم سهام وصول خواهد شد و از این بابت وجه دیگری به عنوان مالیات بر درآمد نقل و انتقال سهام و حق تقدم سهام و مالیات بر ارزش افزوده خرید و فروش مطالبه نخواهد شد.» وفق ماده ۱۰۵ قانون مذکور «جمع درآمد شرکتها و درآمد ناشی از فعالیت‌های انتفاعی سایر اشخاص حقوقی که از منابع مختلف در ایران یا خارج از ایران تحصیل می‌شود، پس از وضع زیان‌های حاصل از منابع غیرمعاف و کسر معافیت‌های مقرر به استثنای مواردی که طبق مقررات این قانون دارای نرخ جداگانه‌ای می‌باشد، مشمول مالیات به نرخ بیست و پنج درصد (۲۵٪) خواهند بود.»

طبق تبصره ۲ ماده ۱۴۷ قانون مزبور که با توجه به ماده ۲۸۱ همان قانون از ابتدای سال ۱۳۹۵ لازم‌الاجرا شده و به لحاظ این تغییر و الحاق تبصره در سال ۱۳۹۴ به قانون مالیاتهای مستقیم، بند (ب) بخشنامه مورد شکایت با رأی شماره ۱۲۱۵ - ۱۳۹۳/۷/۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که در سال ۱۳۹۳ و بیش از اصلاحیه اخیر صادر گردیده، مغایرت نخواهد داشت، چرا که در تبصره مرقوم تصریح گردیده است «هزینه‌های مربوط به درآمدهایی که به موجب این قانون از پرداخت مالیات معاف یا مشمول مالیات با نرخ صفر بوده یا با نرخ مقطوع محاسبه می‌شود، به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی شناخته نمی‌شوند.» با مذاقه در مواد قانونی یاد شده مشخص می‌شود که بند (ب) بخشنامه صدرالذکر صرفاً به منظور تبیین مواد مذکور ذکر شده است و در برگیرنده حکمی نیست که خارج از چارچوب و مفاد مواد قانونی باشد. طبق ماده ۱۰۵ قانون یاد شده خالص افزایش سرمایه‌گذاری‌های جاری به عنوان درآمد، مشمول مالیات به نرخ ۲۵ درصد می‌باشد و کاهش سرمایه‌گذاری جاری (زیان) در اثر نگهداری سهام ناشی از سرمایه‌گذاری‌ها که مربوط به درآمد مشمول مالیات بر نقل و انتقال سهام و سهم‌الشرکه و حق تقدم سهام با نرخ مقطوع باشد به استناد تبصره ۲ ماده ۱۴۷ همان قانون به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی شناخته نمی‌شود. لذا با توجه به موارد فوق‌الذکر بخشنامه یاد شده منطبق با قانون صادر شده، استدعای رسیدگی و رد شکایت شاکی را دارد.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۲۸ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

به موجب بند (۱۲) ماده ۱۴۸ قانون مالیاتهای مستقیم: «زیان اشخاص حقیقی و حقوقی که از طریق رسیدگی به دفاتر آنها و با توجه به مقررات احراز گردد، از درآمد سال یا سالهای بعد استهلاک‌پذیر است» و به عنوان هزینه‌های قابل قبول در حساب مالیاتی محاسبه می‌شود و براساس مفاد دادنامه شماره ۱۲۱۵ - ۱۳۹۳/۷/۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، زیان کاهش ارزش سرمایه‌گذاریها، مشمول بند (۱۲) ماده ۱۴۸ قانون مالیاتهای مستقیم بوده و به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی پذیرفته می‌شود. نظر به اینکه بر مبنای جزء (ب) از بند ۲ بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۷/۱۷۷ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۸ سازمان امور مالیاتی کشور مقرر شده است که زیان سرمایه‌گذاریهای جاری به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی قابل پذیرش نیست، بنابراین مقرر مذکور به دلیل مغایرت با بند ۱۲ ماده ۱۴۸ قانون مالیاتهای مستقیم و مفاد دادنامه شماره ۱۲۱۵ - ۱۳۹۳/۷/۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات سازمان امور مالیاتی کشور وضع شده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

شماره ۹۷۰۲۲۹۱

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

۱۴۰۰/۳/۲۳

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۲۷۴ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۸ با موضوع: «ابطال مواد ۴۰ و ۴۱ دفترچه یکپارچه‌سازی ضوابط و محاسبات درآمدی شورای اسلامی شهر مشهد به تبعیت از نظر فقهای شورای نگهبان از تاریخ تصویب» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۲/۲۸ شماره دادنامه: ۲۷۴ شماره پرونده: ۹۷۰۲۲۹۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای حمزه شکران زینی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مواد ۴۰ و ۴۱ دفترچه یکپارچه‌سازی ضوابط و محاسبات درآمدی شورای اسلامی شهر مشهد

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال مواد ۴۰ و ۴۱ دفترچه

یکپارچه‌سازی ضوابط و محاسبات درآمدی شورای اسلامی شهر مشهد را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده است که:

«شاکی دادخواستی به طرفیت مشتکی‌عنه به خواسته ابطال ماده ۴۰ و اطلاق ماده ۴۱ تبصره ۴۵ مصوبه ۱۴/۳/۶۰ ش - ۱۳۹۷/۱۲/۲۲ شورای اسلامی شهر مشهد از جهت شرعی نمود و در شرح دادخواست تقدیمی ماده ۴۰، مصوبه مذکور در خصوص واگذاری ۵۰٪ ملک از سوی مالکان املاکی که کل مساحت آن در مسیر قرارداد و الباقی زمین را با لحاظ تراکم کم مسکونی به شهرداری واگذار نماید و در خصوص ماده ۴۱ مصوبه به شهرداری مشهد اجازه داده شد در صورتی که بخشی از ملک در مسیر تعریض قرار دارد بدو مساحت در مسیر تعریض به صورت رایگان بابت ورود به محدوده شهر به شهرداری واگذاری و در صورت طلبکار شدن شهرداری مابقی سهم ورود به محدوده را به صورت رایگان از مالکین دریافت دارند. این موضوع خلاف اصل تسلیط و حرمت اموال اشخاص و قواعد شرعی می‌باشد و خارج از اختیار شورای اسلامی شهر مشهد می‌باشد و از طرفی وفق قانون نحوه تقدیم ابنیه املاک و اراضی مورد نیاز شهرداری‌ها، به شهرداری‌ها تجویز تملک ابنیه املاک و اراضی مردم می‌باشد و در صورت عدم توافق به قیمت روز ابنیه، املاک و اراضی محاسبه خواهد شد و واگذاری رایگان تکلیف مالک به شهرداری خلاف شرع می‌باشد و به نظر شماره ۸۰/۲/۱۷۵۶ - ۱۳۸۰/۴/۲۱ شورای نگهبان در خصوص اخذ عوارض ورود به محدوده منوط به تقاضای مالک بوده و شهرداری حق افزایش سهم خود از میزان قانونی (۲۰٪) را ندارد در حالی که این مصوبه به شهرداری اجازه تملک رایگان حدود ۵۰٪ ملک را داده است و نکته دیگر اینکه وقتی کل ملک در مسیر تعریض است حال چطور شهرداری بخشی از ملک که کل آن کاربری عمومی دارد بابت نوسازی سایر املاک به دیگران واگذار نماید و وقت کل ملک در طرح باشد آیا باقیمانده ملک می‌ماند که مالک از مزایای آن استفاده نماید؟ و لذا ماده ۴۰ مصوبه مذکور برابر اجبار مالکین به واگذاری رایگان حدود ۵۰٪ ملک خود بر خلاف شرع و اصل تسلیط است و امر رایگان برای مالک خلاف شرع محسوب می‌شود زیرا این موضوع به منزله اجحاف بر شهروندان و نقض حقوق شهروندی و مخالف بودن با موازین و قواعد شرعی می‌باشد. در ضمن شاکی در سطور اولیه دادخواست تقدیمی به نظر مقام معظم رهبری مبنی بر واجب شرعی جهت ابطال هر مصوبه خلاف شرع و یا قانون درج شده است. نظر به مراتب یاد شده با توجه به مغایرت آشکار مصوبه معترض‌عنه با قواعد شرعی، بر اساس بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری تقاضای ابطال مصوبه معترض‌عنه از نظر شرعی را دارم.»

متن مقرره‌های مورد اعتراض به شرح زیر است:

«ماده ۴۰: آن دسته از اراضی و املاکی که به موجب طرح‌های تفصیلی با اجرایی، کل عرصه در تصرف مؤدیان در مسیر قرار داشته باشد، پس از کسر سهم شهرداری بابت مزایای ورود به محدوده با تأمین سرانه خدماتی (چنانچه طبق مواد ۳۷ و ۳۸ مشمول واگذاری حقوق شهرداری باشند) باقیمانده مساحت عرصه در تصرف آنها با تراکم مسکونی مورد ارزیابی کارشناسی قرار گرفته و خریداری شود.

ماده ۴۱: در خصوص آن دسته از اراضی و املاک واقع در مسیر طرح‌های شهرداری مشهد که مشمول پرداخت سهم شهرداری مشهد بابت مزایای ورود به محدوده یا تأمین

تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۵ تقاضای ابطال اطلاق بندهای ۱، ۲، ۳، بخشنامه‌های شماره ۹۸/۱۰۰۱۸۶ - ۱۳۹۸/۳/۲۸ و شماره ۹۸/۵۸۸۷۸ - ۱۳۹۸/۲/۲۵ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر لزوم واریز مابه‌التفاوت نرخ ارز گشایش اعتبارات اسنادی توسط واردکنندگان کالاهای موضوع بخشنامه‌های موصوف «نسبت به آن دسته از قراردادهایی که به موجب بخشنامه‌های ذیربط بانک مرکزی ۱۰۰٪ معادل ریالی نرخ ارز ذیربط، در هنگام گشایش اعتبارات اسنادی توسط واردکنندگان به بانک عامل پرداخت شده است» را به استناد مغایرت با موازین شرع مقدس اسلام و قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر دارم:

۱- بر اساس بندهای مورد شکایت بخشنامه‌های موضوع دادخواست کلیه بانکهای عامل موظف شده‌اند فراتر از شرایط موجود در قراردادهای سابق خود با واردکنندگان و بخشنامه‌های زمان گشایش اعتبارات اسنادی، ارائه اعلامیه تامین ارز جهت ترخیص کالاهای وارداتی از گمرکات اجرایی کشور یا صدور تاییدیه تسویه حساب - حسب مورد - را منوط به دریافت مابه‌التفاوت نرخ ارز زمان گشایش اعتبارات اسنادی به میزان مندرج در بندهای مورد شکایت کنند. این در حالی است که برای گشایش اعتبارات اسنادی توسط بانکهای عامل وجوه مختلف و متفاوتی در مقررات ذیربط و رویه‌های جاری وجود دارد که یکی از این وجوه، دریافت ۱۰۰٪ معادل ریالی نرخ ارز ذیربط توسط بانک عامل از واردکننده کالا می‌باشد در واقع در این شیوه تمامی مبلغ قرارداد بر مبنای نرخ اعلامی بانک در زمان انعقاد قرارداد، از واردکننده (خریدار ارز) دریافت می‌شود بر این اساس بر خلاف سایر وجوه گشایش اعتبارات اسنادی که به موجب آنها صرفاً بخشی از معادل ریالی نرخ ارز از متقاضی دریافت می‌شود و یا صرفاً تضمین و وثایق در ازای گشایش اعتبار اسنادی از متقاضی دریافت می‌شود و بانک عامل متعهد می‌شود در زمان دیگری مثلاً زمان ترخیص کالا و یا زمان ارائه اسناد حمل توسط فروشنده کالا، نسبت به تسویه حساب و دریافت معادل ریالی نرخ ارز تخصیص یافته اقدام کند. در شیوه مورد نظر، تمامی مبلغ قرارداد تامین ارز به صورت ۱۰۰٪ بر مبنای نرخ ارز ذیربط (نرخ ارزی که بر اساس مقررات مشمول کالایی می‌شود که واردکننده قصد واردات آن را دارد) از متقاضی (واردکننده) دریافت می‌شود. بنابراین در این فرض قرارداد تامین و فروش ارز که یکی از مراحل گشایش اعتبارات اسنادی است با ایجاد و قبول فروشنده و خریدار به موجب قراردادهای ذیربط و تحویل ثمن به موجب واریزی‌های ذیربط در وجه بانک به صورت کامل منعقد شده و قطعی می‌باشد، در این شرایط از جهت قانونی و شرعی، مجوزی برای تحمیل شروطی فراتر از شروط مورد توافق طرفین در قراردادهای ذیربط وجود ندارد. بر این مبنا مطالبه مابه‌التفاوت نرخ ارز در زمان گشایش اعتبار اسنادی و ازمینه دیگر صرفاً در صورتی مشروع و قانونی خواهد بود که با خرید ارز توسط متقاضی صورت نگرفته باشد و یا بر اساس شرایط مورد قبول طرفین مندرج در قرارداد، تسویه حساب و ارائه اعلامیه تامین ارز و یا سایر تعهدات بانک منوط به دریافت مابه‌التفاوت احتمالی با هر شرط مشروع دیگری شده باشد.

۲- بخشنامه‌های مورد شکایت در بندهای سه گانه، به نحو اطلاق تمامی موارد گشایش اعتبارات اسنادی در مورد کالاهای موضوع بخشنامه‌ها را مشمول لزوم پرداخت مابه‌التفاوت به میزان مندرج در بندهای یاد شده نموده و در این جهت هیچ تمایزی میان آن دسته از گشایش اعتبارات اسنادی که صرفاً بخشی از معادل ریالی نرخ ارز ذیربط آنها پرداخت شده و با تضمین مورد قبول بانک برای پرداخت معادل ریالی نرخ ارز، از متقاضی دریافت شده است با آن دسته از گشایش اعتبارات اسنادی که تمامی معادل ریالی نرخ ارز آنها به میزان مورد محاسبه بانک توسط متقاضی پرداخت شده است، قائل نشده است. بنابراین آن دسته از متقاضیانی که ۱۰۰٪ معادل ریالی نرخ ارز ذیربط را به نرخهای اعلامی بانک مرکزی در زمان گشایش اعتبارات اسنادی به بانک عامل پرداخت کرده‌اند نیز مشمول پرداخت مابه‌التفاوت جهت ترخیص کالاهای وارداتی به کشور شده‌اند. به عبارت دیگر بر اساس اطلاق بندهای سه‌گانه بخشنامه‌های مورد شکایت، متقاضیان اخیر نیز مواجه با الزام پرداخت مابه‌التفاوت جهت ترخیص یا فروش کالا حسب مورد شده‌اند در حالی که پرداخت مابه‌التفاوت فرع بر وجود دین مشخص و معین است که در فرض پرداخت ۱۰۰٪ معادل ریالی نرخ ارز مورد درخواست، دینی بر عهده خریدار وجود ندارد.

۳- بر اساس قواعد مسلم فقهی «المومنون عند شروطهم» و «لاضرر» و «قبح عقاب بلا بیان» است. در این خصوص بندهای ۱، ۲، ۳، بخشنامه‌های شماره ۹۸/۱۰۰۱۸۶ - ۱۳۹۸/۳/۲۸ و بخشنامه شماره ۹۸/۵۸۸۷۸ - ۱۳۹۸/۲/۲۵ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر لزوم واریز مابه‌التفاوت نرخ ارز گشایش اعتبارات اسنادی توسط واردکنندگان کالاهای موضوع بخشنامه‌های موصوف «نسبت به آن دسته از قراردادهایی که به موجب بخشنامه‌های ذیربط بانک مرکزی ۱۰۰٪ معادل ریالی نرخ ارز ذیربط در هنگام گشایش اعتبارات اسنادی توسط واردکنندگان به بانک عامل پرداخت شده است» را به استناد الف: مغایرت با

۴- بر اساس آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود» افراد ملزم به اجرا و پایبند بودن به قراردادهای خود می‌باشند همچنین آیه شریفه (یا ایها الذین امنوا لاتاکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره عن تراض منکم» بیانگر قاعده «اکل مال به باطل» می‌باشد که بر اساس آن اسباب تملک باطل اموال دیگران اثر مالکیت ایجاد نکرده و باطل می‌باشد.

۵ - حدیث «لا یحل دم امری مسلم و لا ماله ال تطبطه نفسه» دلالت بر لزوم قراردادهای دارد که بر اساس آن مال وقتی از شخصی به سبب معامله‌ای به دیگری منتقل شد به مالکیت او در می‌آید و بدون رضایت او نمی‌توان در آن تصرف کرد. به عبارتی بر اساس این حدیث «تصرف در مال غیر» خلاف شرع می‌باشد.

۶ - بر اساس ماده ۳۴۴ قانون مدنی «اگر در عقد بیع، شرطی ذکر نشده یا برای تسلیم مبیع یا تادیه قیمت، موعدی معین نگشته باشد بیع، قطعی و ثمن حال محسوب است مگر این که بر حسب عرف و عادت محل یا عرف و عادت تجارت در معاملات تجارتنی وجود شرط یا موعدی معهود باشد اگر چه در قرارداد بیع ذکر نشده باشد» با توجه به اینکه در فرض مورد نظر ۱۰۰٪ معادل ریالی نرخ ارز مورد تقاضا بر مبنای محاسبه نرخ توسط بانک، از سوی خریدار به بانک عامل پرداخت شده است، انجام این امر و فیشهای واریزی در وجه بانک و قبول آن توسط بانک به منزله فروش ارز بوده است. بر این اساس عدم ذکر شرط از سوی بانک و عدم تعیین موعد برای تادیه قیمت به منزله قطعی بودن فروش ارز به متقاضی است و بنابراین به موجب نص صریح ماده ۳۶۲ قانون مدنی اولاً: بانک مالک ثمن (معادل ریالی نرخ ارز، دریافتی از متقاضی) بوده و می‌تواند هر دخل و تصرفی در آن نماید کما اینکه همین امر واقع شده و ثمن در ید مالکانه بانک قرار گرفته است و ثانیاً: مشتری مالک مبیع شده است که این مبیع (ارز) بایستی طبق شرایط مقرر در مقررات مربوط به گشایش اعتبار اسنادی به شخصی که مشتری معرفی می‌کند (فروشنده کالا در خارج از کشور) تحویل گردد. اطلاق بندهای سه گانه بخشنامه‌های مورد شکایت از این جهت که در لزوم بیع منعقد شده و حقوق مالکانه خریدار خلل ایجاد می‌کند مغایر مواد قانونی فوق‌الاشعار است.

۷- بخشنامه‌های مذکور با ماده ۴ قانون مدنی که بر اساس آن «اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد.» مغایر می‌باشد. قراردادهای خرید ارز و تامین مالی مرتبط با بخشنامه‌های موصوف مربوط به تاریخ قبل از تصویب آنها (بخشنامه‌ها) می‌باشند که باتصویب و اجرای بخشنامه‌ها موضوع دادخواست حقوق مکتسبه که به صورت قانونی و مشروع ایجاد و ثبت یافته را نمی‌تواند با تغییر قانون از میان ببرد. در این راستا آراء صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری (شماره ۳۸۰ - ۱۳۹۶/۴/۲۷، ۴۳۰ - ۱۳۸۶/۶/۱۸، ۵۴۴ - ۱۳۸۳/۱۰/۲۷، ۳۸۹ - ۱۳۸۶/۶/۴، ۷۰۵ - ۱۳۸۳/۲/۱۰ و ۲۶۲۰ - ۱۳۹۸/۹/۲۷) نیز اصل عطف به ماسبق نشدن قانون درباره حقوق مکتسبه را مورد حکم قرار داده‌اند.

۸ - با تصویب بخشنامه‌های موضوع دادخواست قبول اسناد حمل و صدور اعلامیه تامین ارز منوط به پرداخت وجوه مابه‌التفاوت بوده که این امر موجب ایجاد مشکلات و خسارتهای فراوان از جمله در دریافت و تخلیه کالا و رفع تعهد ارزی گردیده است.

با توجه به موارد مذکور از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تقاضای ابطال اطلاق بندهای ۱، ۲، ۳، بخشنامه‌های شماره ۹۸/۱۰۰۱۸۶ - ۱۳۹۸/۳/۲۸ و بخشنامه شماره ۹۸/۵۸۸۷۸ - ۱۳۹۸/۲/۲۵ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر لزوم واریز مابه‌التفاوت نرخ ارز گشایش اعتبارات اسنادی توسط واردکنندگان کالاهای موضوع بخشنامه‌های موصوف «نسبت به آن دسته از قراردادهایی که به موجب بخشنامه‌های ذیربط بانک مرکزی ۱۰۰٪ معادل ریالی نرخ ارز ذیربط در هنگام گشایش اعتبارات اسنادی توسط واردکنندگان به بانک عامل پرداخت شده است» به استناد الف: مغایرت با

۱- بر اساس بندهای مورد شکایت بخشنامه‌های موضوع دادخواست کلیه بانکهای عامل موظف شده‌اند فراتر از شرایط موجود در قراردادهای سابق خود با واردکنندگان و بخشنامه‌های زمان گشایش اعتبارات اسنادی، ارائه اعلامیه تامین ارز جهت ترخیص کالاهای وارداتی از گمرکات اجرایی کشور یا صدور تاییدیه تسویه حساب - حسب مورد - را منوط به دریافت مابه‌التفاوت نرخ ارز زمان گشایش اعتبارات اسنادی به میزان مندرج در بندهای مورد شکایت کنند. این در حالی است که برای گشایش اعتبارات اسنادی توسط بانکهای عامل وجوه مختلف و متفاوتی در مقررات ذیربط و رویه‌های جاری وجود دارد که یکی از این وجوه، دریافت ۱۰۰٪ معادل ریالی نرخ ارز ذیربط توسط بانک عامل از واردکننده کالا می‌باشد در واقع در این شیوه تمامی مبلغ قرارداد بر مبنای نرخ اعلامی بانک در زمان انعقاد قرارداد، از واردکننده (خریدار ارز) دریافت می‌شود بر این اساس بر خلاف سایر وجوه گشایش اعتبارات اسنادی که به موجب آنها صرفاً بخشی از معادل ریالی نرخ ارز از متقاضی دریافت می‌شود و یا صرفاً تضمین و وثایق در ازای گشایش اعتبار اسنادی از متقاضی دریافت می‌شود و بانک عامل متعهد می‌شود در زمان دیگری مثلاً زمان ترخیص کالا و یا زمان ارائه اسناد حمل توسط فروشنده کالا، نسبت به تسویه حساب و دریافت معادل ریالی نرخ ارز تخصیص یافته اقدام کند. در شیوه مورد نظر، تمامی مبلغ قرارداد تامین ارز به صورت ۱۰۰٪ بر مبنای نرخ ارز ذیربط (نرخ ارزی که بر اساس مقررات مشمول کالایی می‌شود که واردکننده قصد واردات آن را دارد) از متقاضی (واردکننده) دریافت می‌شود. بنابراین در این فرض قرارداد تامین و فروش ارز که یکی از مراحل گشایش اعتبارات اسنادی است با ایجاد و قبول فروشنده و خریدار به موجب قراردادهای ذیربط و تحویل ثمن به موجب واریزی‌های ذیربط در وجه بانک به صورت کامل منعقد شده و قطعی می‌باشد، در این شرایط از جهت قانونی و شرعی، مجوزی برای تحمیل شروطی فراتر از شروط مورد توافق طرفین در قراردادهای ذیربط وجود ندارد. بر این مبنا مطالبه مابه‌التفاوت نرخ ارز در زمان گشایش اعتبار اسنادی و ازمینه دیگر صرفاً در صورتی مشروع و قانونی خواهد بود که با خرید ارز توسط متقاضی صورت نگرفته باشد و یا بر اساس شرایط مورد قبول طرفین مندرج در قرارداد، تسویه حساب و ارائه اعلامیه تامین ارز و یا سایر تعهدات بانک منوط به دریافت مابه‌التفاوت احتمالی با هر شرط مشروع دیگری شده باشد.

۲- بخشنامه‌های مورد شکایت در بندهای سه گانه، به نحو اطلاق تمامی موارد گشایش اعتبارات اسنادی در مورد کالاهای موضوع بخشنامه‌ها را مشمول لزوم پرداخت مابه‌التفاوت به میزان مندرج در بندهای یاد شده نموده و در این جهت هیچ تمایزی میان آن دسته از گشایش اعتبارات اسنادی که صرفاً بخشی از معادل ریالی نرخ ارز ذیربط آنها پرداخت شده و با تضمین مورد قبول بانک برای پرداخت معادل ریالی نرخ ارز، از متقاضی دریافت شده است با آن دسته از گشایش اعتبارات اسنادی که تمامی معادل ریالی نرخ ارز آنها به میزان مورد محاسبه بانک توسط متقاضی پرداخت شده است، قائل نشده است. بنابراین آن دسته از متقاضیانی که ۱۰۰٪ معادل ریالی نرخ ارز ذیربط را به نرخهای اعلامی بانک مرکزی در زمان گشایش اعتبارات اسنادی به بانک عامل پرداخت کرده‌اند نیز مشمول پرداخت مابه‌التفاوت جهت ترخیص کالاهای وارداتی به کشور شده‌اند. به عبارت دیگر بر اساس اطلاق بندهای سه‌گانه بخشنامه‌های مورد شکایت، متقاضیان اخیر نیز مواجه با الزام پرداخت مابه‌التفاوت جهت ترخیص یا فروش کالا حسب مورد شده‌اند در حالی که پرداخت مابه‌التفاوت فرع بر وجود دین مشخص و معین است که در فرض پرداخت ۱۰۰٪ معادل ریالی نرخ ارز مورد درخواست، دینی بر عهده خریدار وجود ندارد.

۳- بر اساس قواعد مسلم فقهی «المومنون عند شروطهم» و «لاضرر» و «قبح عقاب بلا بیان» است. در این خصوص بندهای ۱، ۲، ۳، بخشنامه‌های شماره ۹۸/۱۰۰۱۸۶ - ۱۳۹۸/۳/۲۸ و بخشنامه شماره ۹۸/۵۸۸۷۸ - ۱۳۹۸/۲/۲۵ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر لزوم واریز مابه‌التفاوت نرخ ارز گشایش اعتبارات اسنادی توسط واردکنندگان کالاهای موضوع بخشنامه‌های موصوف «نسبت به آن دسته از قراردادهایی که به موجب بخشنامه‌های ذیربط بانک مرکزی ۱۰۰٪ معادل ریالی نرخ ارز ذیربط در هنگام گشایش اعتبارات اسنادی توسط واردکنندگان به بانک عامل پرداخت شده است» را به استناد الف: مغایرت با

۴- بر اساس آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود» افراد ملزم به اجرا و پایبند بودن به قراردادهای خود می‌باشند همچنین آیه شریفه (یا ایها الذین امنوا لاتاکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره عن تراض منکم» بیانگر قاعده «اکل مال به باطل» می‌باشد که بر اساس آن اسباب تملک باطل اموال دیگران اثر مالکیت ایجاد نکرده و باطل می‌باشد.

موازن شرع مقدس اسلام و ب: قوانین عادی ذیربط به شرح مندرج در دادخواست و اعمال ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری نسبت به خواسته را دارم."

متن بخشنامه‌های مورد اعتراض به شرح زیر است:

" ۱- بخشنامه ۹۸/۱۰۰۱۸۶ - ۱۳۹۸/۳/۲۸ بانک مرکزی در خصوص دریافت مابه‌التفاوت

ارزی کره، حبوبات، چای و کاغذ با سلام - احتراماً

پیرو نامه‌های عمومی شماره ۹۸/۸۰۶۶۱ - ۱۳۹۸/۳/۱۲ و شماره ۹۸/۵۸۸۷۸ - ۱۳۹۸/۲/۲۵ ضمن ارسال تصویر نامه شماره ۶۰/۹۰۳۹۹ - ۱۳۹۸/۳/۲۸ مدیرکل دفتر مقررات صادرات و واردات وزارت صنعت، معدن و تجارت و ضامته مربوطه حاوی کد تعرفه کالاهای مربوطه: در راستای اجرای تصمیمات کمیته بند ۳ - ۴ مصوبه کارگروه تنظیم بازار (جلسه مورخ ۱۳۹۸/۳/۱۳) در خصوص واردات کره، حبوبات، چای و کاغذ بدین وسیله به اطلاع می‌رساند:

۱- در مواردی که تأمین ارز بابت گشایش اعتبار اسنادی، ثبت برات اسنادی و حواله ارزی برای واردات کره، حبوبات، چای و کاغذ با نرخ رسمی (۴۲/۰۰۰ ریال به ازای هر دلار) صورت پذیرفته و کالای مربوطه تا تاریخ ۱۳۹۸/۳/۱۸ ترخیص نگردیده است، پذیرش اسناد حمل مربوطه و صدور اعلامیه تأمین ارز منوط به دریافت مبلغ چهل و هشت هزار (۴۸/۰۰۰ ریال) به ازای هر دلار (بر مبنای نرخ تبدیل روز تأمین ارز) از متقاضی با رعایت سایر مقررات خواهد بود. مقتضی است آن بانک وجوه مابه‌التفاوت دریافتی را بلافاصله به حساب شماره شبای ۱۷۸۰۶۱۰۰۰۰۹۱۰۰۰۰۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ IR خزانه‌داری داری کل کشور نزد این بانک واریز نمایند. ضمناً در این ارتباط لازم است آمار اطلاعات فوق در لبه ی مابه‌التفاوت سامانه تأمین ارز ثبت گردد.

۲- در خصوص موارد تأمین ارز شده به نرخ‌های کمتر از چهل و دو هزار (۴۲/۰۰۰ ریال) از جمله نرخ‌های مبادله‌ای و آزاد می‌بایست علاوه بر دریافت مبلغ چهل و هشت هزار (۴۸/۰۰۰ ریال) ما به التفاوت معادل ریالی ارز تأمین شده تا مبلغ چهل و دو هزار (۴۲/۰۰۰ ریال) به ازای هر دلار نیز از متقاضی اخذ گردد.

۳- برای مواردی که اعلامیه تأمین ارز آن بر مبنای نرخ رسمی قبل از ابلاغ این بخشنامه صادر گردیده است، در صورت مراجعه واردکننده جهت پرداخت ما به التفاوت مبلغ چهل و هشت (۴۸/۰۰۰ ریال) به ازای هر دلار، لازم است آن بانک ضمن دریافت و واریز ما به التفاوت مذکور نسبت به صدور تأییدیه تسویه حساب مربوطه خطاب به سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و رونوشت به وزارت صنعت، معدن و تجارت (مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی تأمین، توزیع و تنظیم بازار) و با ذکر نام شرکت، شماره ثبت سفارش، شماره و تاریخ پروانه گمرکی حاکی از ترخیص قطعی کالا، تناژ و ارزش محموله اقدام نمایند.

خاطر نشان می‌سازد کارمزدهای مربوط به نقل و انتقال و تبدیل ارز نیز مشمول پرداخت ما به التفاوت مقرر فوق‌الذکر خواهد بود.

خواهشمند است ضمن ابلاغ مراتب به کلیه شعب و واحدهای ارزی ذیربط بر حسن اجرای آن نیز نظارت نمایند. - اداره سیاستها و مقررات ارزی

۲- بخشنامه شماره ۹۸/۵۸۸۷۸ - ۱۳۹۸/۲/۲۵ بانک مرکزی با سلام؛

احتراماً، در راستای اجرای بند (۱۱) دستور اول مصوبات سی و چهارمین جلسه کارگروه تنظیم بازار (جلسه مورخ ۱۳۹۸/۲/۹) در خصوص واردات گوشت قرمز گرم و منجمد) بدین وسیله به اطلاع می‌رساند.

۱- در مواردی که تأمین ارز بابت گشایش اعتبار اسنادی ثبت برات اسنادی و حواله ارزی برای واردات گوشت قرمز با نرخ رسمی (۴۲/۰۰۰ ریال به ازای هر دلار) صورت پذیرفته و کالای مربوطه تا کنون ترخیص نگردیده است پذیرش اسناد حمل مربوطه و صدور اعلامیه تأمین ارز منوط به دریافت مبلغ چهل و هشت هزار (۴۸/۰۰۰ ریال) به ازای هر دلار (بر مبنای نرخ تبدیل روز تأمین ارز) از متقاضی با رعایت سایر مقررات خواهند بود مقتضی است آن بانک وجوه ما به التفاوت دریافتی را بلافاصله به حساب شماره شبای ۱۷۸۰۶۱۰۰۰۰۹۱۰۰۰۰۰۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰ IR خزانه داری کل کشور نزد این بانک واریز نمایند. ضمناً لازم است در این ارتباط هماهنگی لازم با اداره آمار و تعهدات ارزی این بانک در خصوص چگونگی انعکاس آمار و اطلاعات ذیربط انجام پذیرد.

۲- در خصوص موارد تأمین ارز شده به نرخ‌های کمتر از چهل و دو هزار (۴۲/۰۰۰ ریال) از جمله نرخ‌های مبادله‌ای و آزاد می‌بایست علاوه بر دریافت مابه‌التفاوت فوق‌الذکر به مبلغ چهل و هشت هزار (۴۸/۰۰۰ ریال) مابه‌التفاوت معادل دلاری ارز تأمین شده تا معادل دلاری چهل و دو هزار (۴۲/۰۰۰ ریال) نیز از متقاضی اخذ گردد.

۳- برای مواردی که اعلامیه تأمین ارز آن بر مبنای نرخ رسمی قبل از ابلاغ این بخشنامه صادر گردیده است، در صورت مراجعه واردکننده برای پرداخت مابه‌التفاوت مزبور لازم است آن بانک نسبت به دریافت مابه‌التفاوت و واریز آن به حساب فوق‌الذکر اقدام نماید.

خاطر نشان می‌سازد کارمزدهای مربوط به نقل و انتقال و تبدیل ارز نیز مشمول پرداخت مابه‌التفاوت مقرر فوق‌الذکر خواهد بود. خواهشمند است ضمن ابلاغ مراتب به کلیه شعب و واحدهای ارزی ذیربط بر حسن اجرای آن نیز نظارت نمایند. - اداره سیاستها و مقررات ارزی"

در پاسخ به شکایت مذکور، اداره دعاوی حقوقی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به موجب لایحه شماره ۹۹/۱۴۸۰۹۷ - ۱۳۹۹/۵/۱۴ توضیح داده است که:

" ۱- به موجب بند (ج) ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱، تنظیم مقررات مربوط به معاملات ارزی و تعهد یا تضمین پرداخت‌های ارزی و همچنین نظارت بر معاملات ارزی از وظایف و اختیارات این بانک در راستای تعیین سیاستهای نظام پولی و ارزی کشور می‌باشد لذا به لحاظ صلاحیت این بانک در امور حاکمیتی مربوط به حوزه پولی و ارزی کشور، تنظیم مقررات ارزی در زمره وظایف و صلاحیتهای انحصاری این بانک محسوب می‌گردد. بر همین اساس بانک مرکزی بنا به تکالیف و اختیارات قانونی خود در مقاطع زمانی مختلف و با در نظر گرفتن شرایط و تحولات اقتصادی، نسبت به صدور بخشنامه و دستورالعمل در ارتباط با مسائل ارزی کشور از جمله اعتبارات اسنادی، بروات اسنادی، حواله‌های ارزی و اقدام می‌نماید.

۲- تأمین ارز از سوی بانک مرکزی به عنوان بانک عامل (و نه متقاضی) و منحصراً جهت مصارف معین و برای پرداخت به ذینفع خارجی صورت پذیرفته و به بیان دیگر ارز تأمینی، تسلیم متقاضی نمی‌شود، لذا عنوان بیع در آن مصداق نداشته و حق مکتسبه‌ای برای متقاضی ایجاد نمی‌شود بنابراین قوانین مربوط به بیع که شاکای آن را مستند خواسته خود قرار داده است در مانحن فیه موضوعیت ندارد. از سوی دیگر ارز تخصیص یافته از سوی بانک مرکزی، با اخذ تعهد از واردکننده مبنی بر التزام به ضوابط و مقررات اعلامی این بانک، در اختیار واردکنندگان قرار می‌گیرد و در صورتی که استفاده از آن وفق ضوابط و مقررات مذکور انجام نشده و کالای موضوعه مطابق با شرایط مربوطه وارد کشور نگردد، مراتب از سوی بخش حقوقی بانکهای عامل پیگیری می‌گردد. بنابراین تخصیص و تأمین ارز به بانکهای عامل و بالطبع واردکننده به صورت غیرقطعی بوده و ضابط این بانک تا زمان ورود کالا به کشور و ترخیص آن حاکم خواهد بود.

۳- مطابق تبصره ۳ ماده ۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۹۲ «حدود و مقررات اسفنداده از ارز را دولت تعیین می‌کند». بر این اساس تصویب نامه شماره ۶۳۷۹۳/ت/۵۵۵۶۳۳ - ۱۳۹۷/۵/۱۶ هیأت وزیران، که به موجب بخشنامه‌های شماره ۹۷/۱۷۲۱۰۴ - ۱۳۹۷/۵/۲۰ و ۹۷/۱۸۱۴۰۷ - ۱۳۹۷/۵/۲۷ این بانک به شعبه بانکی کشور ابلاغ شده مقرر نموده است: «تأمین ارز به نرخ رسمی صرفاً بابت کالاها با اولویت اول (شامل کالاهای اساسی، ضروری، دارو و ملزومات و تجهیزات پزشکی) صورت گرفته و بابت سایر کالاها (اولویت دوم) از طریق بازار دوم ارز (نیما) امکان‌پذیر گردیده است. از سوی دیگر مطابق مفاد بند ۵ اصلاحی از تصویب نامه شماره ۷۰۲۲۰/ت/۵۵۵۶۳۳ - ۱۳۹۷/۵/۲۹ و تصویب نامه الحاقی شماره ۱۳۰۴۲۴/ت/۵۵۶۸۶۸ - ۱۳۹۸/۱۰/۱۰ هیأت وزیران و با اتخاذ تصمیمات کمیته بند ۳ - ۴ مصوبه کارگروه تنظیم بازار (جلسه مورخ ۱۳۹۸/۳/۱۳) و نامه شماره ۶۰/۹۰۳۹۹ - ۱۳۹۸/۳/۲۸ مدیرکل دفتر مقررات صادرات و واردات وزارت صنعت، معدن و تجارت مقرر گردیده است در صورت عدم ترخیص کالا قبل از تغییر گروه کالایی و ارائه تاییدیه از سازمانهای ذیربط مبنی بر عدم تحویل و یا توزیع کالا در

شبکه‌های تحت نظارت آنها و با اخذ تعهدنامه از واردکننده مبنی بر پرداخت مابه‌التفاوت علی‌الحساب نرخ ارز، به قیمت مصوبه نرخ ارز تخصیصی (معادل ۴۲/۰۰۰ ریال به ازای هر دلار)، به میزان ۴۸/۰۰۰ ریال (تا اعلام مبلغ قطعی مابه‌التفاوت بابت هر کالا) محاسبه و پرداخت آن حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ ترخیص صورت پذیرد.

۴- کالای موضوع ثبت سفارش مطروحه از سوی شرکت کیا تجارت گستر پرتو لاشه گوسفند تازه و با کد تعرفه شماره ۰۲۰۴۱۰۰۰ می‌باشد که بر اساس تصویب نامه‌های فوق‌الذکر و نامه‌های ابلاغی این بانک، مشمول پرداخت مابه‌التفاوت علی‌الحساب نرخ ارز به میزان ۴۸/۰۰۰ ریال به ازای هر دلار گردیده است. علی‌الحساب با عنایت به مراتب فوق‌الذکر و توجهاً به اینکه اقدامات این بانک در رابطه با مقررات ارزی از جمله وظایف و اختیارات این بانک در راستای اعمال حاکمیتی بوده و حق مکتسبه‌ای برای افراد ایجاد نمی‌کند بنابراین ادعای مربوطه مبنی بر عطف به ماسبق نشدن مقررات ارزی در مانحن فیه موضوعیت نخواهد داشت. بر این اساس مصوبه مربوطه هیچ مغایرتی با موازین شرعی و قانونی نداشته و هیچگونه تخطی از مقررات از سوی این بانک صورت نگرفته است، لذا صدور رأی شایسته مبنی بر رد شکایت شاکی مورد استدعاست.

قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۹۹/۱۰۲/۲۱۸۱۹ - ۱۳۹۹/۱۱/۲۶ اعلام کرده است که:

"موضوع بندهای ۳، ۲، ۱، بخشنامه‌های شماره ۹۸/۱۰۰۱۸۶ - ۱۳۹۸/۳/۲۸ و ۹۸/۵۸۸۷۸ - ۱۳۹۸/۱۲/۲۵ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در خصوص واردات گوشت، کره، حبوبات، چای و کاغذ در جلسه مورخ ۱۳۹۹/۸/۱۳ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که به شرح ذیل اعلام نظر می‌گردد: بخشنامه‌های مورد شکایت نسبت به معاملات قطعی شده که وجه ریالی آن پرداخت شده و ضمن شرط معتبری در قرارداد اولیه یا ضمن تعهد معتبری قید نشده که مابه‌التفاوت را جهت ترخیص بپردازند، خلاف موازین شرع دانسته شد و اخذ مابه‌التفاوت شرعی نمی‌باشد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۲۸ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۹۹/۱۰۲/۲۱۸۱۹ - ۱۳۹۹/۱۱/۲۶ اعلام کرده است که از نظر فقهای معظم شورای نگهبان بخشنامه‌های مورد شکایت نسبت به معاملات قطعی شده که وجه ریالی آن پرداخت شده و ضمن شرط معتبری در قرارداد اولیه یا ضمن تعهد معتبری قید نشده که مابه‌التفاوت را جهت ترخیص بپردازند، خلاف موازین شرع دانسته شد، بنابراین بندهای ۱، ۲ و ۳ بخشنامه شماره ۹۸/۱۰۰۱۸۶ - ۱۳۹۸/۳/۲۸ و بخشنامه شماره ۹۸/۵۸۸۷۸ - ۱۳۹۸/۱۲/۲۵ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در اجرای حکم مقرر در تبصره ۲ ماده ۸۴ و ماده ۸۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ و از جهت تبعیت از نظر فقهای شورای نگهبان مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون مذکور از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

۱۴۰۰/۳/۲۳

شماره ۹۸۰۲۹۲۰

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۲۷۸ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۸ با موضوع: «ابطال آیین‌نامه اجرایی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران مصوب ۱۳۸۲/۶/۲۴ هیأت رئیسه دانشگاه تهران از حیث عدم صلاحیت مرجع وضع آن» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۲/۲۸ شماره دادنامه: ۲۷۸ شماره پرونده: ۹۸۰۲۹۲۰
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکی: سازمان بازرسی کل کشور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال آیین‌نامه اجرایی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران مصوب ۱۳۸۲/۶/۲۴ هیأت رئیسه دانشگاه تهران

گردش کار: سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور به موجب نامه شماره ۳۰۰/۱۷۱۴۶۶ - ۱۳۹۸/۷/۱۶ ابطال آیین‌نامه اجرایی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران مصوب ۱۳۸۲/۶/۲۴ هیأت رئیسه دانشگاه تهران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی به استناد بند (الف) ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم و بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه طبق مصوبات هیأت امنای اداره می‌شوند. ضمناً به موجب ماده ۷ قانون تشکیل هیأت امنای دانشگاه‌ها (مصوب جلسات ۱۸۱ و ۱۸۳ - ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ شورای انقلاب فرهنگی)، تصویب سازمان اداری دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی از جمله وظایف هیأت امناست. همچنین وظایف و اختیارات روسا و مسئولین دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها در آیین‌نامه مدیریت دانشگاه‌ها مصوب سال ۱۳۷۰ و آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی مصوب سال ۱۳۸۹ شورای انقلاب فرهنگی پیش بینی شده است و در هیچ کدام از مقررات پیش گفته اختیاری برای هیأت رئیسه جهت وضع آیین‌نامه پیش بینی نشده است. بنابه مراتب وضع آیین‌نامه اجرایی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران با توجه به قوانین موصوف، خارج از حدود اختیارات هیأت رئیسه دانشگاه تهران بوده و ابطال آن (به صورت فوق‌العاده و خارج از نوبت) در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مورد تقاضا می‌باشد."

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

"آیین‌نامه اجرایی پردیس کشاورزی - منابع طبیعی

به منظور ایجاد تسهیلات در فعالیتهای جاری دانشکده‌های کشاورزی و منابع طبیعی و مرکز تحقیقات بین‌المللی همزیستی با کویر با تفویض اختیارات مالی و اداری بیشتر و تجمیع فعالیتهای عمرانی، خدماتی و دانشجویی واحدهای یاد شده، مجموعه‌ای تحت عنوان پردیس کشاورزی - منابع طبیعی که دارای ردیف مستقل مالی است بر اساس این آیین‌نامه تشکیل می‌شود."

علی‌رغم ابلاغ دادخواست و ضامناً آن به طرف شکایت (دانشگاه تهران) تا زمان رسیدگی به پرونده در جلسه هیأت عمومی پاسخی از سوی دستگاه مزبور حاصل نشده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۲۸ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

مطابق بند «ب» ماده ۷ قانون تشکیل هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی (مصوب جلسات ۱۸۱ و ۱۸۳ - ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی)، «تصویب سازمان اداری مؤسسه براساس ضوابطی که به پیشنهاد وزارتخانه‌های مربوط با هماهنگی سازمان امور اداری و استخدامی به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی خواهد رسید»، از وظایف و اختیارات هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و مؤسسات پژوهشی است. نظر به اینکه هیأت رئیسه دانشگاه تهران بدون برخورداری از صلاحیت مقرر در بند «ب» ماده ۷ قانون تشکیل هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و به موجب مصوبه مورخ ۱۳۸۲/۶/۲۴ آیین‌نامه اجرایی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران را وضع کرده است، آیین‌نامه مذکور خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات مرجع مصوب وضع شده است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین